

الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۷۰۸۳
خردادماه ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. مفاهیم و تعاریف
۱۱.....	۲. نگاهی به وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان
۱۴.....	۳. مبانی نظری تبیین‌کننده عوامل و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱۷.....	۴. آثار و کارکردهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای اقتصاد میزبان
۲۳.....	۵. تجربه کشورها در بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت رشد و توسعه اقتصادی
۴۷.....	۶. تحلیل و بررسی وضعیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران
۵۲.....	جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی
۵۷.....	منابع و مآخذ



الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق

چکیده

افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با رشد و توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها در دو دهه اخیر همراه شده و رقابتی را در میان کشورهای جهان برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی برانگیخته است. اما در مورد اینکه آیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از علل رشد و توسعه اقتصادی است و چه نقشی در این زمینه می‌تواند ایفا کند اختلاف‌نظرهای فراوان وجود دارد. این گزارش در پی یافتن شرایط و الزامات جذب موفق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای استفاده بهینه از آن به‌عنوان ابزار توسعه اقتصادی در ایران است. در این گزارش مطالعات نظری و تجربی خارجی برای یافتن شرایط و الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی بررسی شد. تطبیق رهنمودهای حاصل شده از تحقیق با وضعیت ایران از طریق بررسی آمارهای موجود، مرور مطالعات پیشین و نظرسنجی از خبرگان نشان می‌دهد، شرایط بهره‌برداری کافی و حداکثری از میزان اندک جذب جریان ورودی سرمایه خارجی در جهت توسعه اقتصادی کشور وجود ندارد. اگرچه محیط نامناسب کسب‌وکار و تحریم‌های بین‌المللی از اقبال سرمایه‌گذار خارجی به ورود و سرمایه‌گذاری در کشور به‌شدت کاسته است، اما زمینه استفاده مناسب از همان میزان اندک سرمایه خارجی ورودی نیز فراهم نشده است. از مهم‌ترین دلایل این مشکل می‌توان به برداشت و درک نادرست مدیران و سیاستگذاران کشور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نبود ظرفیت‌های جذب و انتقال صحیح و کامل فناوری از این طریق اشاره کرد.

نگاه صرفاً تأمین مالی به سرمایه‌گذاری خارجی و غفلت از مهم‌ترین کارکرد آن یعنی انتقال فناوری، درک نادرست از انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی و لزوم سودآوری سرمایه‌گذاری خارجیان در کشور میزبان، عدم توجه به تعارض منافع سرمایه‌گذار خارجی با منافع کشور میزبان، تصور خودکار بودن انتقال مدیریت و فناوری در جریان سرمایه‌گذاری خارجی، عدم ارزیابی صحیح هزینه انتقال اطلاعات در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی؛ از جمله مصادیق برداشت نادرست از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران است. تجربه نشان می‌دهد استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، انتقال مؤثر و جهش فناوری را در پی نداشته است و برای انتقال مؤثر فناوری، باید ظرفیت‌های جذب آن در کشور ایجاد شود. وجود ظرفیت‌های علمی و فنی لازم برای جذب دانش بنیادین و عملیاتی و وجود نهادهای لازم برای ایجاد ظرفیت و جذب دانش از خارجیان از الزامات انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری خارجی است.

همچنین تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد ورود سرمایه خارجی در این کشورها مبتنی بر انتخاب و تعیین شروط برای انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی این کشورها بوده است. کشوری که نداند چه

نوع فناوری را برای چه بخشی از تولید می‌خواهد، یعنی آمایش سرزمینی عالمانه و سیاست صنعتی دورنگر و اولویت‌گذاری آموزشی و پژوهشی هوشمندانه نداشته باشد، نمی‌تواند به سرمایه‌گذاری خارجی در راستای منافع بلندمدتش سامان بدهد. بنابراین به‌منظور جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیشنهاد می‌شود:

- برداشت و درک صحیحی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان مدیران و سیاستگذاران کشور ایجاد شود؛ به نحوی که به سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان ابزار انتقال فناوری نگریسته شود و نه ابزاری برای تأمین مالی.
- برای بهره‌گیری از اصلی‌ترین کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یعنی انتقال فناوری، ظرفیت‌های جذب فناوری از خارج ایجاد شود.

- سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین با ملاحظه حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی، تدوین گردد.
- با الگوبرداری از کشورهای موفق همچون اتحادیه اروپا، ملاحظات فرااقتصادی (به‌ویژه ملاحظات سیاسی و امنیتی) درخصوص سرمایه‌گذاری خارجی جدی گرفته شوند.

مقدمه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «سرمایه‌گذاری مشتمل بر ارتباط طولانی‌مدت، منافع پایدار و کنترل شرکت خارجی (سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یا شرکت مادر) در کشور مقصد» است^۱ و وجه تمایز عمده آن با روش متداول فاینانس که صرفاً یک روش تأمین مالی از خارج کشور است، را می‌توان سهم بودن سرمایه‌گذار خارجی در ریسک سرمایه‌گذاری دانست که عواید مثبت دیگری از جمله انتقال دانش، مدیریت و فناوری به کشور میزبان را می‌تواند در پی داشته باشد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دو دهه اخیر رشد قابل توجهی در دنیا داشته و تلاش‌هایی برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است، اما نتیجه چنین تلاش‌هایی در ایران توفیق چندانی نداشته و ورود سرمایه خارجی به کشور همواره اندک بوده است. لذا پژوهش‌های متعددی به شناسایی موانع جذب و ارائه راهکارهای افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداخته و بر مزایا و فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین دلایل حجم اندک ورود سرمایه خارجی به ایران در غالب پژوهش‌ها، محیط نامناسب کسب‌وکار در داخل کشور و فضای نامساعد سیاسی بین‌المللی و تحریم‌ها در سال‌های اخیر عنوان می‌شود.

اما در پژوهش‌ها کمتر به مسئله کیفیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران توجه شده و از اینکه طی سال‌های گذشته چگونه می‌توانستیم از ظرفیت‌های موجود بیشترین بهره را ببریم غفلت شده است. درواقع غالباً در پژوهش‌های انجام شده با مفروض دانستن نفع سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور به دنبال

1. UNCTAD, World Investment Report, 1999.



ارائه راهکار برای ایجاد جذابیت و سودآوری برای خارجیان بوده‌ایم و کمتر با لحاظ احتمال آسیب و یا کسب منافع حداقلی از سرمایه‌گذاری خارجی به راهکارهای بیشینه کردن منفعت کشور از طریق ورود سرمایه خارجی پرداخته‌ایم. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به‌عنوان ابزار رشد و توسعه اقتصادی استفاده کرد و یا به تعبیر دیگر شرایط و الزامات بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل جذب در ایران چیست و چگونه ایجاد می‌شود.

در این گزارش پس از ارائه تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری درخصوص انگیزه‌ها، آثار و کارکردهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به مرور تجربیات کشورهای موفق آسیای شرقی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رویکردی متفاوت و استخراج درس‌هایی برای کشورهای درحال توسعه ازجمله ایران پرداخته شده است. پس از بررسی وضعیت ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تطبیق آن با نتایج مطالعات خارجی پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ارائه شده است.

۱. مفاهیم و تعاریف

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی خارجی و نیز روشی برای انتقال فناوری از خارج شناخته شده است. لذا در این بخش علاوه بر تعریف «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» و «شرکت‌های چندملیتی» به تعریف و ارائه مثال از برخی روش‌های رایج تأمین مالی خارجی و نیز برخی روش‌های پُرکاربرد انتقال فناوری به‌منظور تبیین وجه تمایز با روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته خواهد شد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱

در دستورالعمل موازنه پرداخت‌های صندوق بین‌المللی پول، تعریف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بدین صورت بیان شده است: «سرمایه‌گذاری برای کسب منافع طولانی‌مدت در شرکتی خارجی که هدف سرمایه‌گذاران در آن کسب موقعیت مؤثر در مدیریت یک شرکت است». طبق گزارش سرمایه‌گذاری جهانی که در سال ۱۹۹۹ توسط سازمان ملل متحد^۲ (UNCTAD) منتشر گردید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «سرمایه‌گذاری مشتمل بر ارتباط طولانی‌مدت، منافع پایدار و کنترل شرکت خارجی (سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یا شرکت مادر) در کشور مقصد، بجز شرکت سرمایه‌گذار، شرکت وابسته یا وابسته خارجی» است. در تعریف قبل، واژه «طولانی‌مدت» برای تشخیص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سرمایه‌گذاری در سهام است که دومی ماهیت کوتاه‌مدت داشته و متضمن بازدهی بالایی مالی است (رسولی قهرودی، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

1. Foreign Direct Investment (FDI)

۲. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل که به‌اختصار آنکند نامیده می‌شود در سال ۱۹۶۴ میلادی با هدف یکپارچگی کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی تأسیس شد.

(UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development)

خصیصه مشترک این تعاریف برمی‌گردد به واژه‌هایی همچون «کنترل» و «کنترل منافع»^۱ که مهم‌ترین ویژگی‌ای است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از سرمایه‌گذاری در سهام^۲ متمایز می‌سازد؛ چراکه سرمایه‌گذار در سهام، به دنبال کنترل یا منافع طولانی‌مدت نیست. اجماع کلی درباره شیوه شکل‌گیری کنترل منافع وجود ندارد؛ اما معمولاً حداقل در اختیار داشتن ۱۰ درصد سهام، به شرکت خارجی این اجازه را می‌دهد که در سیاست‌های اصلی پروژه‌های در دست اقدام، اعمال نفوذ (بالقوه یا واقعی) نماید. از این‌رو، ویژگی بارز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در مقایسه با دیگر اشکال سرمایه‌گذاری بین‌المللی، وجود عنصر نظارت بر تصمیمات و سیاست‌های مدیریتی است. بنابر گفته رازین^۳ و همکاران (۱۹۹۹) عنصر نظارت، در مقایسه با سرمایه‌گذاری در سهام، مزیت اطلاعاتی را به سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی اعطا می‌کند. سایر شرکت‌ها تنها در صورتی این نوع سرمایه‌گذاری را می‌پذیرند که از حداقل نظارت (یعنی پنجاه و یک درصد سهام) برخوردار باشند (همان، ص ۲۰).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان از دیدگاه کشور سرمایه‌گذار (کشور مبدأ) و کشور میزبان مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه سرمایه‌گذار، کیوز^۴ (۱۹۷۱) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به سه بخش افقی، عمودی و ترکیبی تقسیم‌بندی کرده است. هدف از FDI افقی،^۵ گسترش افقی محصولات در کشور مبدأ، به‌منظور تولید همان محصولات یا مشابه آن در کشور مقصد است. از این‌رو، تنوع محصولات عنصری مهم در ساختار بازار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی است. به‌طور کلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی، برای بهره‌برداری کامل از مزایای انحصاری همچون، محصولات متنوع با اختراعات ثبت شده مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌خصوص اگر این توسعه، قوانین ضدانحصار را در کشور مبدأ دچار اختلال نماید. ازسوی دیگر، FDI عمودی،^۶ به‌منظور استفاده از مواد خام (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی وارونه) و یا نزدیکی بیشتر به مشتریان از طریق تملک کانال‌های توزیع (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی پیشرو)، به‌کار گرفته می‌شود. سومین نوع FDI ترکیبی است که شامل هر دو نوع افقی و عمودی است (همان، ص ۲۴).

از دیدگاه کشور میزبان، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جانشین واردات، ۲. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مشوق صادرات، ۳. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با محوریت دولت (همان، ص ۲۵).

در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت مشارکتی، در دنیا مورد توجه بوده است که در آن، چندین شرکت حضور داشته و هیچ‌یک از طرفین همچون شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری مشترک (JV)^۷ هستند، به‌تنهایی حداکثر حق نظارت را در اختیار ندارند. سرمایه‌گذاری‌های مشترک توسط شرکتی

-
1. Controlling Interest
 2. Portfolio Investment
 3. Razin
 4. Horizontal FDI
 5. Vertical FDI
 6. Conglomerate FDI
 7. Joint Venture



از کشور میزبان، نهادهای دولتی و یا شرکتی خارجی به انجام می‌رسد. در این فرایند، معمولاً یکی از طرفین، نیروی متخصص فنی و سرمایه را تأمین می‌نماید و طرف دیگر، به ارائه اطلاعات ارزشمندی در مورد قوانین و مقررات داخلی و بوروکراسی‌های اداری می‌پردازد. بوکلی و کاسون (۲۰۰۰) براساس ۹ فاکتور مستقل ذیل، به ارائه مدلی برای توضیح شیوه شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌پردازد: ۱. اندازه بازار، ۲. سرعت پیشرفت فناوری، ۳. نرخ بهره، ۴. ابعاد فرهنگی، ۵. حفظ استقلال، ۶. فقدان حق ثبت اختراع، ۷. اقتصاد منطقه، ۸. عدم اطمینان به فناوری، ۹. صرفه‌های به مقیاس. این مدل به آنها اجازه می‌دهد تا درباره شیوه شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های مشترک و با در نظر گرفتن تنوع صنایع در کشورهای مختلف و به مرور زمان به پیش‌بینی‌های دقیق‌تری دست پیدا کنند (همان، صص ۲۰، ۳۸ و ۳۹).

شرکت‌های چندملیتی

بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود، که همگی به نام‌های مشهور جهانی تبدیل شده‌اند مانند: تویوتا، آی‌بی‌ام، فیلیپس، نستله، سونی، رویال داچ شل، جنرال موتورز، کوکاکولا، مک دونالدز، دایملر، بنز و بایر. با این حال، بیان ماهیت شرکت‌های چندملیتی دشوار است و اجماعی بر نحوه نامگذاری این شرکت‌ها وجود ندارد. در ادبیات، نام‌هایی مختلف همچون «بین‌المللی»^۱، «فراملی»^۲ و «جهانی»^۳ برای این نوع شرکت‌ها بیان شده است که پس از واژگانی همچون «بنگاه»^۴، «شرکت»^۵ و «مؤسسه»^۶ آورده می‌شود. گفتنی است که تعریف مشخصی برای شرکت‌های چندملیتی وجود ندارد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۷۳ سازمان ملل متحد، بیست‌ویک نوع تعریف از سازمان‌های چندملیتی ارائه داد (آنکتاد آنها را شرکت‌های فراملی می‌نامد) (همان، ص ۲۶).

تکامل عبارت شرکت چندملیتی ناشی از تغییرات حاصل در ماهیت فعالیت‌های تجاری بین‌المللی است. هم‌زمان با گسترش فعالیت‌های بین‌المللی، این‌گونه شرکت‌ها در صورت امکان تمایل دارند تا به شیوه‌ای فعالیت‌های خود را گسترش دهند که با مشتریان خارجی ارتباط نزدیک‌تری برقرار نمایند. بنابراین، تولید هم در کشور مبدأ و هم در کشور میزبان انجام می‌پذیرد. از این‌رو، یک شرکت چندملیتی برخی از فعالیت‌های تولیدی خود را از طریق ایجاد شرکت‌های وابسته^۷ و ایجاد شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاری مشترک (JV)، در خارج از کشور به انجام می‌رساند. ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شرکت‌های چندملیتی تا حدی است که می‌توان تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی را عاملی برای تشخیص شرکت‌های چندملیتی از سایر شرکت‌ها دانست (همان، ص ۲۷).

1. International
2. Transnational
3. Global
4. Corporation
5. Company
6. Enterprise
7. Affiliate

آنکثاد در گزارش سرمایه‌گذاری جهانی در سال ۱۹۹۹، شرکت‌های چندملیتی را به‌عنوان شرکت‌های ثبت شده یا ثبت نشده که شامل شرکت‌های مادر^۱ و شرکت‌های تابعه خارجی آنها هستند، تعریف کرده است. شرکت مادر شرکتی است که کنترل دارایی‌های نهادهای شرکت را در کشورهایی بجز کشور مبدأ، معمولاً با داشتن میزان مشخصی از سرمایه کنترل می‌نماید. شرکت تابعه، شرکت ثبت شده یا ثبت نشده‌ای تلقی می‌شود که در آن سرمایه‌گذار ساکن کشور ثالث، دارای سهامی است که با در اختیار گرفتن میزان مشخصی از سهام، منافع طولانی‌مدتی را از مدیریت شرکت دریافت می‌نماید. شرکت‌های وابسته خارجی، شامل شرکت‌های تابعه، وابسته و یا شعب آن می‌باشند (همان، ص ۲۸).

روش‌های تأمین مالی خارجی

براساس یک تقسیم‌بندی عمومی و کلی، تأمین منابع مالی خارجی در دو شکل و روش قرضی و غیرقرضی متصور است که مرز تفکیک‌کننده آنها عمدتاً ناظر بر چگونگی ضمانت ریسک‌های تجاری طرح و نقش و تعهدات دولت در پوشش این دسته از ریسک‌هاست. اگرچه تفاوت‌های ساختاری و عملیاتی دیگری نیز بین این دو روش وجود دارد (علیشیری و شمس، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

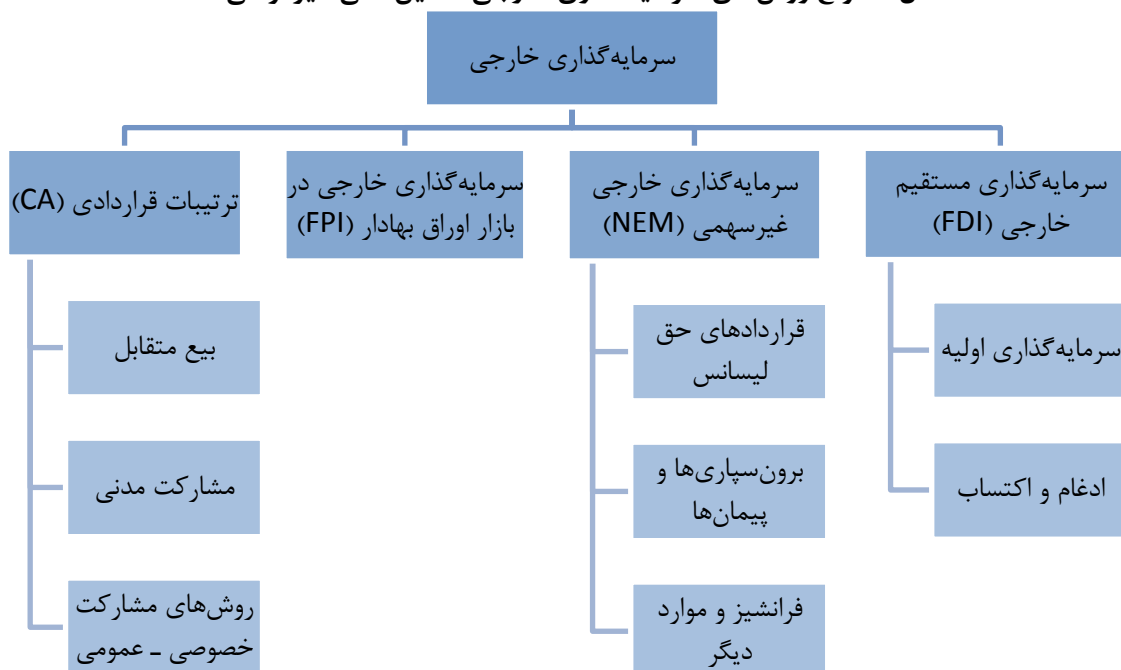
در روش‌های قرضی عمدتاً فاینانس، تمام ریسک‌های مربوط به طرح برعهده دریافت‌کننده منابع مالی و دولت است. تضمین بازپرداخت تمام منابع دریافتی و سود و هزینه‌های مترتب بر آن توسط دولت است و بازپرداخت وام بدون ارتباط با اجرا یا عدم اجرای طرح باید صورت پذیرد. اعطای وام اغلب مشروط به خرید از تولیدکنندگان ماشین‌آلات و ارائه‌دهندگان خدمات کشور اعطاکننده است. اما در روش‌های غیرقرضی ریسک‌های تجاری برعهده سرمایه‌گذار خارجی و شریک داخلی وی و ریسک‌های سیاسی با دولت است. تنها تضمین پرداخت خسارت ناشی از مداخلات دولت مانند مصادره، ملی کردن، وضع قوانین و مقررات مستقیماً محل سرمایه‌گذاری برعهده دولت است. همچنین بازگشت سرمایه از محل عواید حاصل از فروش محصولات آن پس از اجرا و به سودآوری رسیدن طرح اتفاق می‌افتد (همان، ص ۵۱).

سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان مصداق و روش اصلی ناظر بر **تأمین مالی خارجی غیرقرضی** خود انواع متنوعی از روش‌ها و ترتیبات گاهاً پیچیده و ترکیبی را دربرمی‌گیرد که ارائه برخی تعاریف متداول و استاندارد مرتبط با اجزا و روش‌های مربوطه را ضروری می‌سازد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی در بازار اوراق بهادار، سرمایه‌گذاری خارجی غیرسهمی^۲ و سرمایه‌گذاری خارجی قراردادی (ترتیبات قراردادی)^۳ مدل‌های قابل تفکیک به‌عنوان روش‌های انجام سرمایه‌گذاری خارجی در یک اقتصاد میزبان هستند.

1. Parent Enterprise
2. Non Equity Modes of Investment (NEM)
3. Concession Agreement (CA)



شکل ۱. انواع روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی (تأمین مالی غیرقرضی)



مأخذ: علیشیری و شمس، ۱۳۹۲، ص ۵۸.

سرمایه‌گذاری خارجی غیرسهمی ترتیباتی است که در قالب آن سرمایه‌گذار خارجی بدون تملک سهام (جزئی یا عمده) و داشتن کنترل مستقیم بر شرکت سرمایه‌پذیر در قالب قراردادهایی نظیر قراردادهای لیسانس، فرانشیز، مدیریت، برون‌سپاری خدمات، قراردادهای ساخت، پیمانکاری اصلی و فرعی، هماهنگی و کنترل فعالیت‌های شرکت‌های همکار خود را در کشور میزبان صورت می‌دهد. به عبارتی سرمایه‌گذار خارجی همچنان سطحی از کنترل بر عملیات شریک محلی را حفظ می‌کند و به نوعی شرایط مالکانه و حضور در محل را همانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داراست بدون آنکه هزینه‌های فراوان سرمایه‌گذاری ثابت و در گردش و مواجهه با تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور میزبان را متحمل شود (همان، ص ۵۵).

سرمایه‌گذاری خارجی سهمی در قالب ترتیبات قراردادی همانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، اما با دو تفاوت اصلی که عبارتند از:

- شخصیت حقوقی در کشور میزبان با هدف خاص و به صورت شرکت پروژه و به واسطه ترتیبات قراردادی موجود ایجاد و تأسیس می‌شود.

- عمدتاً حضور در کشور میزبان نامحدود نبوده و زمان آن در قالب قرارداد تعیین شده است.

روش‌های سرمایه‌گذاری سهمی در قالب ترتیبات قراردادی روشی برای تأمین مالی سازمان‌یافته پروژه‌هاست که با اعطای امتیاز از سوی دولت به شرکت‌های بخش خصوصی (یا کنسرسیومی از شرکت‌ها) برای احداث تأسیسات و امکانات زیرساختی و زیربنایی که معمولاً توسط دولت ساخته و بهره‌برداری

می‌گردد و خدمات یا کالاهای تولیدی آن مورد استفاده عموم است اطلاق می‌گردد. با توجه به تعریف، حوزه مورد استفاده این شیوه‌ها حوزه‌هایی نظیر احداث جاده و راه‌آهن، فرودگاه و بندر، نیروگاه و شبکه توزیع برق، سد و شبکه آبیاری، شبکه مخابرات و پستی، فاضلاب و جمع‌آوری زباله و... است. فازهای اجرایی پروژه‌ها در قالب ترتیبات قراردادی معمولاً شامل موارد طراحی و مهندسی، خرید و تدارک، ساخت و اجرا، تأمین مالی، بهره‌برداری و نگهداری است (همان، ص ۵۵). ترتیبات قراردادی در قالب روش‌های متنوعی اجرا می‌شود که برخی از مهم‌ترین و متداول‌ترین آنها عبارتند از:

- ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT)

- ساخت، مالکیت، بهره‌برداری و واگذاری (BOOT)

- ساخت، مالکیت و بهره‌برداری (BOO)

- ساخت، اجاره/لیزینگ و واگذاری (BLT)

- بازسازی، بهره‌برداری و واگذاری (ROT)

روش‌های انتقال فناوری

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری است. روش‌های انتقال فناوری را به روش‌های رسمی و غیررسمی می‌توان تقسیم کرد. روش‌های رسمی برای انتقال فناوری را می‌توان براساس مالکیت سهام نیز طبقه‌بندی نمود. هرچه مالکیت سهام بیشتر شود یکپارچگی بین دو مجموعه افزایش می‌یابد. واردات فناوری اشکال مختلفی دارد: خرید تجهیزات به تنهایی (یا همراه پشتیبانی‌های تکنیکی و دانش فنی)، انعقاد قرارداد اخذ طراحی اولیه^۱ و خرید حق انحصاری اختراع^۲ و دیگر ترتیبات تحت لیسانس، استخدام مشاوران، تقلید و مهندسی معکوس^۳ در کشور واردکننده و غیره. فناوری می‌تواند به‌طور کامل از طرف فروشنده فناوری درونی شود،^۴ بدین صورت که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تحت مالکیت کامل شرکت خارجی قرار گیرد (که در آنها سرمایه‌گذار علاوه بر تأمین کل سرمایه، فناوری را برپا می‌نماید، از آن بهره‌برداری می‌کند و کنترل خود را بر گسترش، ارتقا و سرمایه‌گذاری‌های متعاقب آن حفظ می‌کند). از طرف دیگر، فناوری می‌تواند کاملاً بیرونی شود،^۵ بدین صورت که گردآوری مجموعه تجهیزات، دانش فنی و دیگر نهاده‌ها، بدون تنظیم هیچ قرارداد بلندمدتی با تأمین‌کننده خارجی برعهده خریدار باشد (مثال کامل آن این است که یک بنگاه، ماشین‌آلات را از بازارهای آزاد بخرد و طراحی محصول را بدون هیچ قرارداد مشخصی

1. Blueprints

2. Patents

3. Reversc Engineering

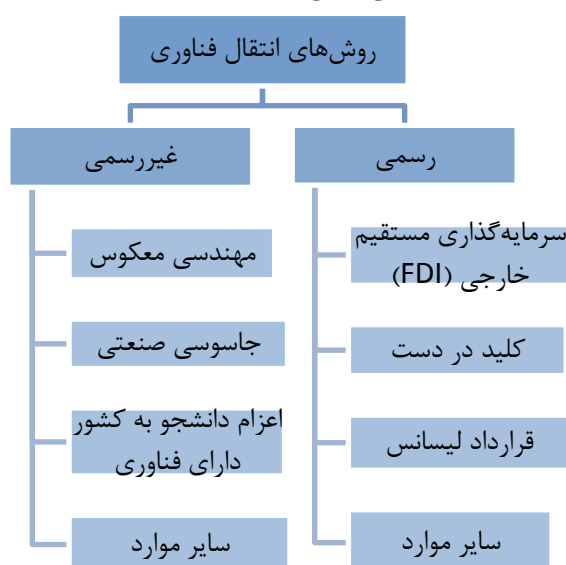
4. Internalization

5. Extcrnalization



«مهندسی معکوس» نماید). سرمایه‌گذاری مشترک،^۱ اعطای لیسانس، اعطای حق رأی،^۲ پیمانکاری فرعی^۳ و قراردادهای کلید در دست^۴ اشکال مختلفی از انتقال فناوری بین آن دو سر طیف است و روابط قراردادی برابر یا نابرابر مختلفی دارند. اکثر کشورها، توسعه‌یافته یا در حال توسعه، ترکیبی از این اشکال را در کنار هم ایجاد کرده‌اند که این محصولات متفاوت فناوری، سطوح مختلف توسعه فناوری داخلی یا استراتژی‌های شرکت، ساختارهای صنعتی متفاوت و غیره را نشان می‌دهد (ل،^۵ ۱۳۸۵، ص ۱۸۵).

شکل ۲. انواع روش‌های انتقال فناوری



در ادامه به ارائه تعریف و مثال‌هایی درخصوص مهم‌ترین روش‌های انتقال فناوری اشاره می‌شود:

– کلید در دست: در این روش مسئولیت طراحی و اجرا به‌طور کامل برعهده پیمانکار است. به‌گونه‌ای که کارفرما فقط با چرخاندن یک کلید می‌تواند بهره‌برداری از تأسیسات را آغاز نماید. کشورهای در حال توسعه، معمولاً از این روش در مراحل اولیه توسعه صنعتی خود و یا در فناوری‌هایی که برای بار اول به کشور وارد می‌شوند، استفاده می‌کنند. در روش کلید در دست عرضه‌کننده تکنولوژی تعهد می‌کند در برابر دریافت مبلغی مشخص مجموعه‌ای کامل از تجهیزات فیزیکی و ابزارآلات به‌همراه نصب و راه‌اندازی آنان را به گیرنده تکنولوژی بدهد (Zhang and Gallagher, 2016).

– قرارداد لیسانس: به قراردادهایی اطلاق می‌شود که فناوری توسط عرضه‌کننده لیسانس برای مدتی معین و در برابر مبلغی مشخص به دریافت‌کننده آن فروخته می‌شود. عرضه‌کننده لیسانس موافقت

-
1. Joint Venture
 2. Franchising
 3. Subcontracting
 4. Turnkey Contracts
 5. Lall

می‌کند که تکنولوژی مورد نیاز را توسط سرمایه‌گذاری کامل دریافت‌کننده تکنولوژی فراهم سازد. قرارداد لیسانس بیشترین حجم روش‌های انتقال فناوری را شامل می‌شود. کیم^۱ در مقاله ۱۹۹۷ خود به‌صورت کاملی فرایند دریافت تکنولوژی در دهه ۱۹۷۰ توسط هیوندای از کشورهای خارجی و نکات لازم دستیابی به فناوری را تشریح کرده است. درمجموع شرکت هیوندای از شرکت‌های خارجی ۵۴ لیسانس گرفته است. این ۵۴ لیسانس شامل ۲۲ لیسانس از ژاپن، ۱۴ لیسانس از انگلیس، ۵ لیسانس از آمریکا و ایتالیا و ۳ لیسانس از آلمان و ۵ لیسانس از دیگر کشورها بوده است.

– روش‌های مبتنی بر خرید سهام: ادغام و تملک که عموماً با همدیگر و با نام M&A^۲ استفاده می‌شوند دو روش کسب دانش فنی از طرف‌های خارجی است. در روش تملک یک شرکت به‌منظور دسترسی به یک تکنولوژی، سهام شرکت یا بخشی از یک شرکت را می‌خرد. مثال مهمی از این حوزه خرید بخش موبایل نوکیا توسط مایکروسافت بوده است. در روش ادغام یک شرکت با شرکت دیگری که دارای فناوری (یا صلاحیت تکنولوژیکی) مورد نظر است، ادغام می‌شود و یک شرکت جدید از ادغام این دو شرکت موجود به‌وجود می‌آید؛ غالباً شرکت‌های ادغام‌شونده هم‌اندازه هستند. به‌طور مثال تشکیل شرکت سونی اریکسون از روش‌های ادغام برای کسب فناوری است. در مدل‌های ادغام از جذب آموزشی^۳ استفاده شده است؛ این مدل در حوزه تکنولوژی‌های پیشرفته خصوصاً در دو صنعت فناوری اطلاعات و دارو به‌واسطه تعداد کم پرسنل خبره و نقش بالای دانش ضمنی به‌کار گرفته می‌شود.

همین‌طور در بعضی موارد بنگاه گیرنده تکنولوژی، مقداری از سهام بنگاه دهنده تکنولوژی را خریداری می‌نماید که به روش سهام حداقلی^۴ معروف است. به این ترتیب بنگاه گیرنده در تصمیمات بنگاه دارای فناوری می‌تواند اعمال نظر داشته باشد. همچنین بنگاه گیرنده نیز خود در انتشار تکنولوژی ملاحظات بنگاه دهنده را مورد نظر قرار می‌دهد. چراکه در غیر این صورت ضرر و زیان بنگاه دهنده، ضرر و زیان بنگاه گیرنده نیز می‌باشد. به این ترتیب یک ضمانت اجرایی مابین دو بنگاه ایجاد می‌گردد.

– سرمایه‌گذاری مشترک:^۵ دو بنگاه اقدام به تأسیس یک بنگاه جدید می‌نمایند. مالکیت این بنگاه جدید مابین دو بنگاه تقسیم شده است. همچنین دو بنگاه به حیات خود نیز ادامه می‌دهند. این حالت زمانی رخ می‌دهد که همکاری دو بنگاه می‌تواند منجر به ایجاد کسب‌وکاری شود که اولاً با کسب‌وکار اصلی دو بنگاه تداخل ندارد و ثانیاً این همکاری موجب افزایش توان دو شرکت می‌گردد. سرمایه‌گذاری مشترک در همکاری‌های فراملی یک روش بسیار مرسوم است؛ از دلایل این نوع همکاری فقدان دانش شرکت خارجی صاحب تکنولوژی در مورد مسائل حاکمیتی و قوانین و مقررات مرتبط با سیستم اقتصادی، مسائل فرهنگی از قبیل شیوه مذاکره، شیوه‌های مدیریتی و مدیریت منابع انسانی و

1. Kim
2. Mergers & Acquisitions
3. Educational Acquisition
4. Equity Minority
5. Joint Venture



عدم شناخت از بازار مرتبط است. شرکت رنو پارس در ایران یکی از مثال‌های انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه‌گذاری مشترک است. همکاری مشترک می‌تواند به‌صورت خاص بر روی تحقیق و توسعه باشد. در حالت تحقیق و توسعه مشترک^۱ دو یا چند بنگاه برای تحقیق و توسعه مشترک روی یک رشته یا تکنولوژی مشخص یا محصول خاص موافقت می‌نمایند.

– سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: محققان انتقال فناوری را مهم‌ترین پیامد FDI می‌دانند. تعامل بین FDI و فناوری، در موضوع FDI اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و توجه شرکت‌های چندملیتی و کشورهای در حال توسعه روی آن متمرکز شده است. این امر به این دلیل است که به‌نظر می‌رسد، فناوری منبع حیاتی برای رشد اقتصادی، انباشت سرمایه، تجارت و حتی تغییرات سازمانی، ارتباطات اجتماعی و ارتباطات موجود در زنجیره تولید است.

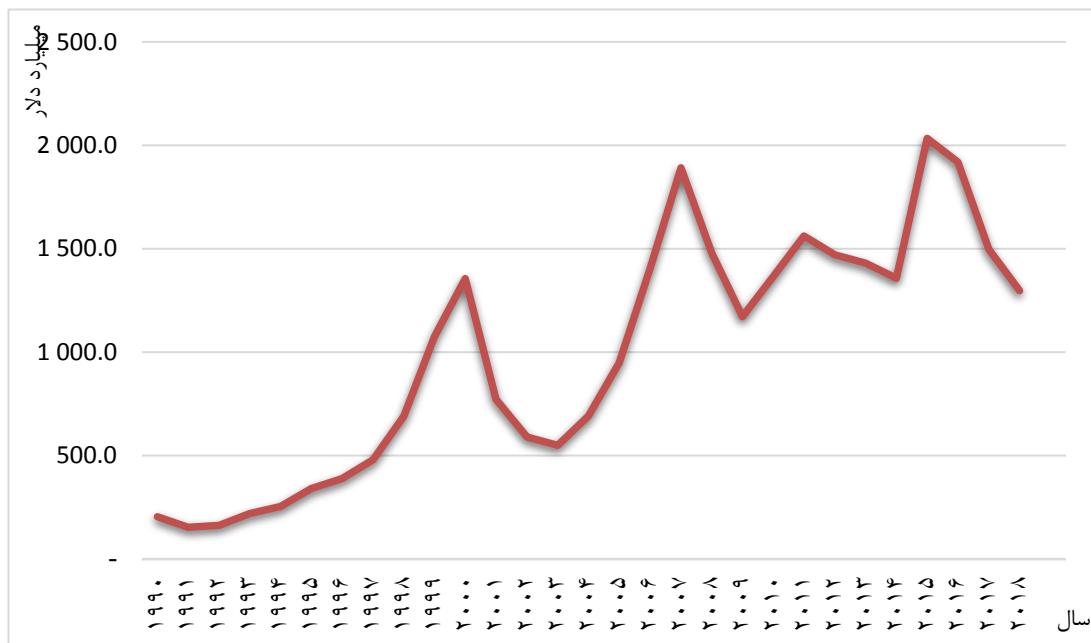
– روش‌های غیررسمی: راه‌های به‌دست آوردن فناوری خارجی همین‌طور شامل روش‌هایی غیررسمی و خارج از مکانیسم‌های بازار و مبتنی بر سهام می‌باشد که می‌توان به مهندسی معکوس، گرفتن کمک فنی غیررسمی از خریدار و فروشنده، مشاهده، جذب افراد ماهر و دانش‌آموخته از سایر سازمان‌ها، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها، آموزش افراد و فرستادن به کشورهای دارای فناوری و جاسوسی صنعتی اشاره کرد.

۲. نگاهی به وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چند دوره اخیر رشد قابل توجهی داشته است، به نحوی که در ۴۰ سال گذشته نزدیک به ۴۰ برابر شده است. البته بررسی آمارهای یک دهه اخیر پس از بحران مالی و افت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد مجموع کل FDI سالیانه نتوانسته تاکنون به سقف پیش از بحران مالی برسد. عمده این کاهش، مربوط به سرمایه‌گذاری جذب شده توسط کشورهای توسعه‌یافته است که جذب‌کننده نیمی از کل FDI هستند و عدد مربوط به کشورهای در حال توسعه تقریباً ثابت مانده است. (صارمی، ۱۳۹۸، ص ۳۹۷)

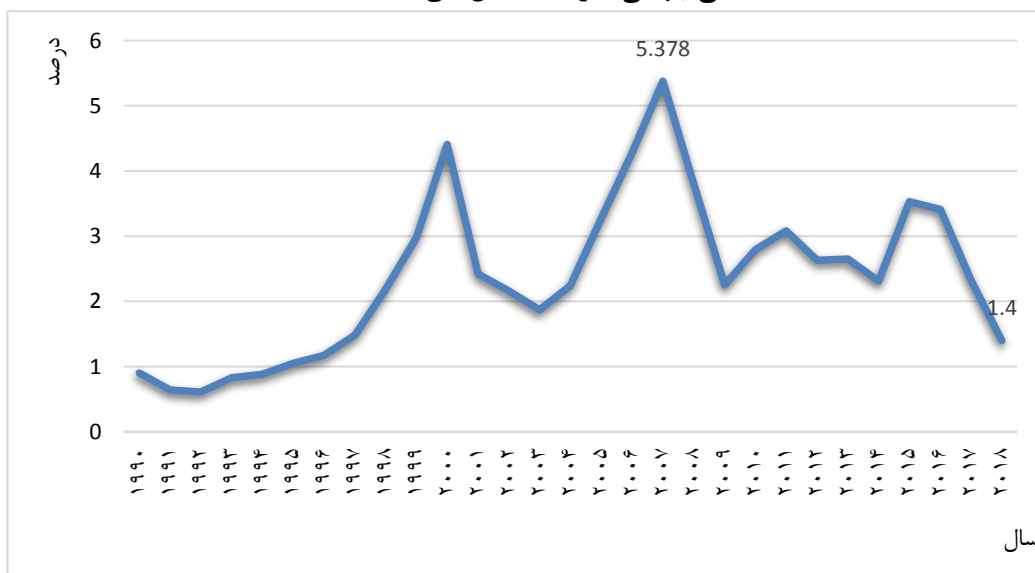
همان‌گونه که در نمودار ۱ قابل مشاهده است روند صعودی FDI در سال ۲۰۰۱ با کاهش مواجه شده که مجدداً از سال ۲۰۰۵ افزایش شدیدی را تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۸ به‌واسطه بحران مالی جهانی جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته و فرایند افزایش دوباره از سال ۲۰۱۰ آغاز شده است. به‌لحاظ تقسیم‌بندی، دوره مورد بررسی به دهه‌های مختلف، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بیشترین مقدار جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی در دنیا رخ داده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی کل جهان در سال ۲۰۱۸، ۱۲۹۷ میلیارد دلار بوده است.

نمودار ۱. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی، سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۸



مأخذ: آنکتاد، گزارش سرمایه‌گذاری جهانی، ۲۰۱۹.

نمودار ۲. جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی جهانی (درصد)، سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۸



مأخذ: شاخص‌های توسعه جهانی (WDI) بانک جهانی.

نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی روندی مشابه روند کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و کاهش و افزایش آن مطابق نمودار ۱ است. نسبت FDI ورودی به GDP در بیشترین مورد در سال ۲۰۰۷ به ۵/۳۷ درصد رسیده و در کمترین مورد در سال ۲۰۰۳ به ۱/۴۹ درصد



رسیده است.

براساس گزارش آنکتاد در سال ۲۰۱۸، در حدود ۷۸ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا سال ۲۰۰۰ توسط کشورهای توسعه‌یافته جذب شده است. این سهم در سال ۲۰۱۸ به ۶۴/۴ درصد کاهش یافته، اما همچنان جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمایل بیشتری به ورود به کشورهای توسعه‌یافته دارد (جدول ۱).

جدول ۱. انبار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت داخل و خارج در جهان و

کشورهای توسعه‌یافته، سال ۲۰۱۸ و ۲۰۰۰ (میلیون دلار)

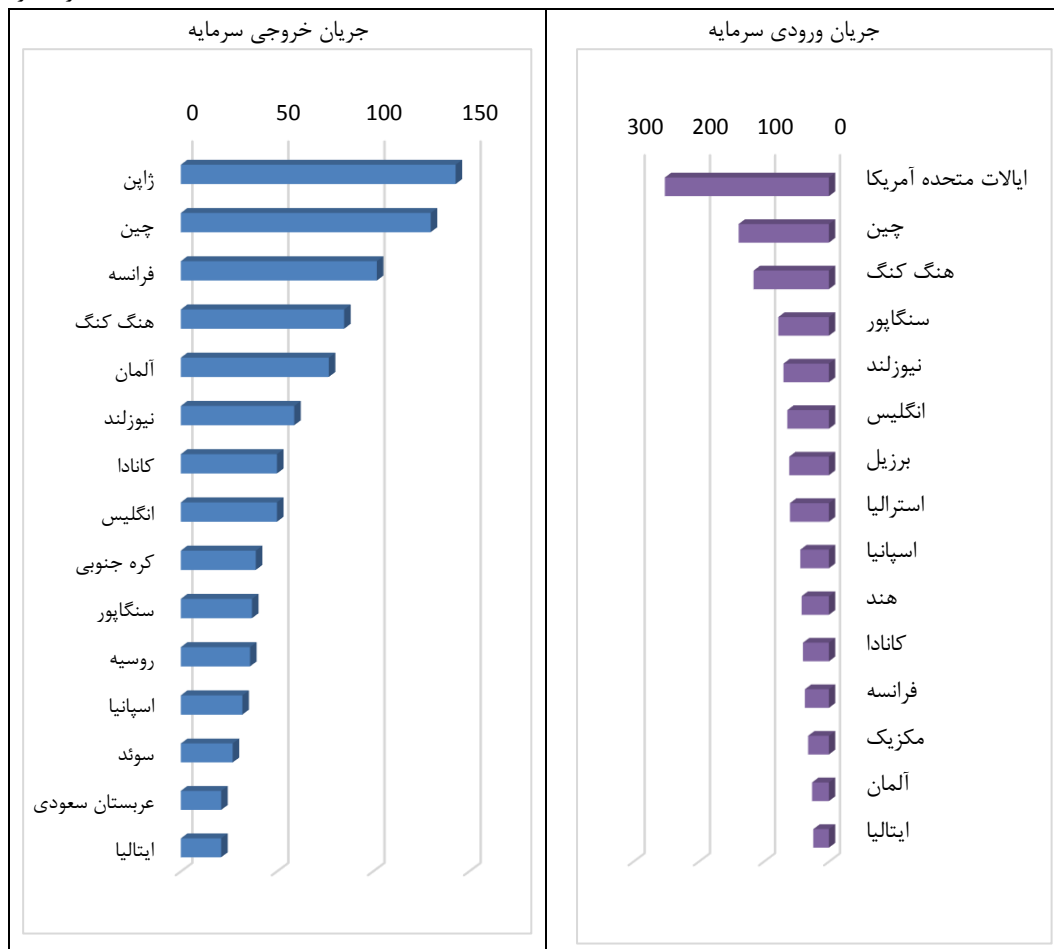
انبار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت خارج ^۲		انبار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت داخل ^۱		متغیر
۲۰۱۸	۲۰۰۰	۲۰۱۸	۲۰۰۰	سال
۳۰۹۷۴۹۳۱	۷۴۰۸۷۸۲	۳۲۲۷۲۰۴۳	۷۳۷۷۲۷۲	جهان
۲۳۰۴۹۲۳۷	۶۶۹۹۲۸۷	۲۰۷۸۹۵۷۷	۵۷۷۹۵۷۴	کشورهای توسعه‌یافته
۷۴/۴	۹۰/۴	۶۴/۴	۷۸/۳	سهم کشورهای توسعه‌یافته (درصد)

مأخذ: آنکتاد، گزارش سرمایه‌گذاری جهانی، ۲۰۱۹، ص ۲۱۶.

براساس گزارش‌های سالیانه سازمان کنفرانس توسعه ملل متحد (آنکتاد)، در سال‌های اخیر آمریکا در صدر فهرست کشورهای برتر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار گرفته است. همان‌گونه که در نمودار ۳ قابل مشاهده است، پس از آمریکا، چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور، نیوزلند، انگلیس، برزیل، استرالیا، اسپانیا و هند به‌ترتیب در صدر فهرست کشورهای مقصد و ژاپن، چین، فرانسه، هنگ‌کنگ، آلمان، نیوزلند، کانادا، انگلیس، کره جنوبی و سنگاپور در صدر فهرست کشورهای مبدأ قرار دارند.

نمودار ۳. جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای پیشرو در سال ۲۰۱۸

(میلیارد دلار)



مأخذ: آنکتاد، گزارش سرمایه‌گذاری جهانی، ۲۰۱۹.

ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و چین در مجموع نیمی از جریان ورودی سرمایه را در سال ۲۰۱۸ دارند. ایران در سال ۲۰۱۸، تنها در حدود ۰/۳ درصد جریان ورودی سرمایه خارجی را جذب کرده است.

۳. مبانی نظری تبیین‌کننده عوامل و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تبیین عوامل و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و چگونگی و چرایی حرکت عوامل تولید در میان اقتصادها و به‌خصوص رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی یکی از موضوعات مهمی است که در ادبیات اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. باید توجه داشته باشیم که مهم‌ترین دلیل و انگیزه سرمایه‌گذاری سودآوری است و سرمایه‌گذاری خارجی نیز از این مورد استثنا نیست. در ادامه نگاهی گذرا به مهم‌ترین نظریات توضیح‌دهنده FDI خواهیم داشت.



تئوری موانع تجارت بر مبنای تئوری مزیت نسبی به عنوان یکی از اولین فرضیه‌ها در خصوص توضیح سرمایه‌گذاری خارجی مطرح شده است. این دیدگاه پایه تئوری‌های تجارت جهانی است و بیان می‌دارد کشورها بعد از متخصص شدن و توسعه مقیاس و قلمرو ارسال محصولات خود به بازارهای مختلف، به علت برخورد به موانع تجارت به FDI روی می‌آورند. البته این تئوری فقط می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین واردات را توضیح دهد (صارمی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۷).

فرضیه نرخ بازگشت و فرضیه متنوع‌سازی پورتفلیو (سبد) سرمایه‌گذاری‌ها از دیدگاه مالی و اقتصادی به توضیح FDI به صورت جریان پیدا کردن سرمایه خارجی به سمت پروژه‌ها و نقاط دارای بازده مالی جذاب و هم‌زمان متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها برای مدیریت ریسک آنها می‌پردازد. فرضیه آریبترائز به معنای استفاده از تفاوت در قدرت پول در کشورهای مختلف برای کاهش هزینه و افزایش سود شرکت‌های چندملیتی که در کشورهای مختلف فعالیت دارند، FDI را توضیح می‌دهد. البته این فرضیه بعدها به شکل کامل‌تر به بهره‌برداری شرکت‌های چندملیتی از چهار نوع مختلف از تفاوت موجود میان مناطق در قالب چارچوب CAGE (تفاوت‌های فرهنگی، اداری - قانونی، جغرافیایی و اقتصادی) می‌پردازد. این رویکردها نواقصی دارند و مثلاً سرمایه‌گذاری متقابل بین کشورها در فرضیه نرخ بازگشت و همچنین تمرکز FDI در یک صنعت خاص در فرضیه آریبترائز به خوبی قابل توضیح نیست (رسولی قهرودی، ۱۳۹۷، صص ۵۳-۵۵).

تئوری سازمان صنعتی هایمر^۱ و تئوری درونی‌سازی یا هزینه مبادله که همگی در سطح شرکت و برای تبیین استراتژی‌های شرکت طراحی شده‌اند، بیان می‌کنند تصمیم شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در کشور دیگر یک استراتژی برای حفاظت از دارایی‌ها و توانمندی‌های آنها در کشورهای محل فعالیت است. در نظریه هایمر یک سازمان صنعتی برای بهره‌برداری از دارایی‌های انحصاری خود که نوعاً از جنس دارایی ناملموس نیز هستند، دست به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف می‌زند؛ در نظریه هزینه مبادله، بازار درونی و روابط درون شرکت‌ها به عنوان جایگزینی برای روابط بازار در نظر گرفته می‌شود تا آنها را از هزینه‌های متعدد یافتن، توافق و همکاری با شرکت‌های مستقل بیرونی معاف کند. البته این فرضیه‌ها در مورد اینکه چرا یک شرکت بین دو کشور، یکی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کند، توضیحی نمی‌دهد. به همین سبب نظریه التقاطی دانینگ^۲ که در واقع ترکیب چند تئوری در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، تمایل یک شرکت برای شروع سرمایه‌گذاری خارجی را به برقراری سه شرط: ۱. توانمندی‌ها و دارایی‌های شرکت مبدأ، ۲. مزیت‌های مکانی کشور مقصد و ۳. اتخاذ رویکرد درونی‌سازی و توسعه درون‌شرکتی مرتبط می‌سازد (Dunning JH, 1980). تئوری چرخه عمر محصول ورنون^۳ بیان می‌دارد که بعد از ظهور یک محصول جدید (عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته)، تا مدتی بازار انحصاری در کشور مبدأ وجود دارد، اما هنگامی که تولیدکننده با ظهور رقبای جدید داخلی مواجه می‌شود، برای حفظ بازار خود و کاهش رقابت رو به بازارهای بین‌المللی می‌آورند (Vernon R, 1979).

1. Hymer
2. Dunning
3. Vernon

همچنین در تئوری‌های استراتژی به هم‌پیوستگی اجتناب‌ناپذیر، به بنگاه‌های فعال در بازارهای انحصار ناقص اشاره شده و بیان می‌دارد در صورتی که شرکتی اقدام به سرمایه‌گذاری در کشور دیگری نماید بنگاه‌های رقیب به این حرکات عکس‌العمل نشان می‌دهند و اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دیگر می‌نمایند تا موقعیت خود را در بازار از دست ندهند. همین‌طور عامل دیگری که در FDI تأثیرگذار است، ارتباط دولت‌ها و مزایا و نیز فرایند مذاکره بین‌المللی به‌خصوص در پروژه‌های استراتژیک و قراردادهای کلان سرمایه‌گذاری خارجی است. درواقع، در بسیاری مواقع انگیزه‌های سیاسی و نیز قدرت چانه‌زنی طرفین تعیین‌کننده نحوه و چگونگی FDI است.

دانینگ مدلی را در مورد رفتار شرکت‌های چندملیتی براساس سطوح توسعه مطرح کرده است. براساس سطوح مختلف توسعه انگیزه‌های متفاوتی برای حضور شرکت چندملیتی وجود دارد و هم‌زمان با پیشرفت کشور در مراحل مختلف توسعه ساختار اقتصادی کشور تغییر یافته و مزیت‌های مکانی و مزیت‌های مالکیتی افزایش می‌یابد. درواقع دسترسی به منابع اولیه و طبیعی ارزان‌قیمت، شکل‌گیری بازار و بهره‌برداری از بازار داخلی، شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین و توجه به کارایی و وجود دارایی‌های استراتژیک دلایل اصلی سرمایه‌گذاری خارجی است که با توجه به سطح توسعه کشورها دلایل انگیزه‌های شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری تغییر می‌یابد. به این نحو که این انگیزه‌ها از دسترسی به منابع اولیه و طبیعی ارزان‌قیمت (در اقتصادهای مبتنی بر بخش‌های اولیه مانند معادن و کشاورزی) به سمت ایجاد دارایی‌های استراتژیک ارتقا می‌یابد (Dunning JH, 1987).

براساس مدل دانینگ اساس سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های چندملیتی در تحقیق و توسعه و فناوری‌های پیشرفته به کشورهای توسعه‌یافته محدود می‌شود، اما شواهد موجود نشان می‌دهد فرایند تحقیق و توسعه در دنیا جهانی شده و به چندقطبی شدن تحقیق و توسعه نیز منجر شده است (PORTAL D. 2005). درواقع کشورهای در حال توسعه به منبع و مقصد تحقیق و توسعه جهانی تبدیل شده‌اند و دیگر این موضوع منحصر به کشورهای توسعه‌یافته نیست (Liu M, Chen S. 2012). تحقیق و توسعه درواقع گسترش طبیعی فعالیت‌های بازاریابی و تولیدی شرکت‌های تابعه در کشور مقصد است که با گذر زمان و تقویت شرکت تابعه به‌صورت طبیعی انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه آغاز می‌شود (Athreye S, Cantwell J. 2007). در حال حاضر بخش مهمی از جهانی شدن تحقیق و توسعه به گسترش انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه توسط شرکت‌های چندملیتی در خارج از مرزهای کشور مبدأ برمی‌گردد که تا اواخر دهه نود فعالیت‌های نوآورانه خود را به‌صورت سنتی فقط در کشور مبدأ انجام می‌دادند. در سال ۲۰۰۶ حدود ۶۵ درصد شرکت‌های چندملیتی به تحقیق و توسعه بین‌المللی مشغول بودند که این رقم به ۸۴ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرده است. دلایل مختلفی برای اقدام به انجام تحقیق و توسعه در خارج از مرزها وجود دارد. همچنین باید در نظر گرفت این نوع سرمایه‌گذاری از منظر حوزه تأثیر متفاوت است در جدول ۲ به مرور انگیزه‌ها و عوامل مختلف پرداخته شده است (Guimón J. 2013, P2).



جدول ۲. انگیزه‌های شرکت‌های چندملیتی برای تحقیق و توسعه بین‌المللی

ردیف	نوع سرمایه‌گذاری	انگیزه‌های استراتژیک از دید شرکت چندملیتی	عوامل مکانی مؤثر	محدوده و میزان تأثیر
۱	سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به‌خاطر تقاضا ^۱	- بهره‌برداری از دانش موجود، - انطباق محصولات، خدمات و فرایندهای شرکت‌های چندملیتی با بازارهای خارجی	- بازار بزرگ و پویا - هم‌مکانی تولید و تحقیق و توسعه	- محدوده محلی - به‌صورت زیادی به ادامه فعالیت‌های تولید وابسته است.
۲	سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به‌خاطر عرضه ^۲	- افزایش دانش - استفاده از دانش موجود در خارج از کشور	- کیفیت دانشگاه‌های محلی، سرمایه انسانی، وابسته به سطح دانش محلی، وجود خوشه‌های صنعتی، پتانسیل زیادی برای ایجاد زیرساخت‌های تحقیق	- دامنه جهانی - وابسته به سطح دانش محلی، پتانسیل زیادی برای ایجاد ارتباطات دارد.
۳	سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به‌خاطر کارایی ^۳	کاهش هزینه	- استاندارد بودن فعالیت‌های تحقیق و توسعه	- دامنه جهانی و محلی - امکان از دست دادن مزیت‌ها

Source: Guimón J. 2013, P2.

۴. آثار و کارکردهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای اقتصاد میزبان

نحوه اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسته به رویکرد خوش‌بینانه یا بدبینانه نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی به طرق متفاوتی قابل تبیین و تحلیل است. رویکرد مثبت و منفی را می‌توان ناشی از اختلاف دیدگاه حامیان جهانی‌سازی و مخالفان آن تعبیر کرد. براساس «اجماع واشنگتنی»^۴ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مادامی که سرمایه‌گذاران محیط زیست را آلوده نکنند یا از کارگران سوءاستفاده نکنند) بدون تردید برای رشد و توسعه مفید است. در رویکرد مقابل، مبتنی بر نگاه استعمارگرانه به FDI براساس اقتصاد ساختارگرایی، تردید جدی نسبت به مفید بودن FDI براساس شواهدی از عملکرد FDI در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا وجود دارد و برخی نیز معتقدند زیان فعالیت شرکت‌های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه بیش از منافع آن است. در این میان صاحب‌نظرانی با رویکرد بینابین و عملگرانه بین دو سرطیف با پذیرش نقاط ضعف و مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طراحی سیاست‌های هوشمند به‌منظور حداکثرسازی منافع می‌پردازند.

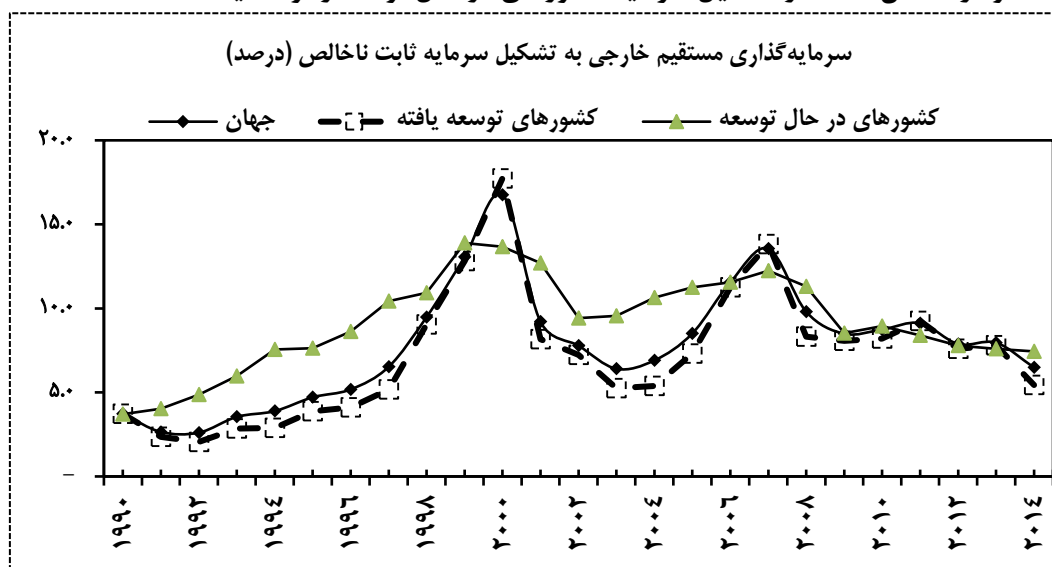
آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توانند به‌صورت آثار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طبقه‌بندی شوند. تأثیرات اقتصادی از طریق کانال‌های مختلفی چون تأثیر بر روی بهره‌وری، تأمین سرمایه و ارز، اشتغال و دستمزد، جریان تجارت، ایجاد ثبات اقتصادی، انتقال دانش، مدیریت و فناوری و سایر موارد و

1. Demand Driven
2. Supply Driven
3. Efficiency Seeking
4. Washington Consensus Enthusiasm

در نهایت تأثیر بر رشد اقتصادی کشورها قابل تحلیل است. این بخش ضمن اشاره به آثار اقتصادی FDI، به تقابل دو رویکرد خوش‌بینانه و میانه در تبیین تأثیر FDI بر رشد اقتصادی و کانال اصلی این اثرگذاری یعنی انتقال فناوری می‌پردازد.

یکی از آثار اقتصادی FDI، تأثیر بر تأمین سرمایه و ارز است. برخی کشورهای با درآمد پایین، به‌طور فزاینده به FDI به‌عنوان منبعی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری و تسریع رشد تکیه کرده‌اند. همان‌طور که در نمودار ۴ قابل ملاحظه است، از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۸ FDI به‌طور متوسط سهم ۱۰ درصدی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داشته است که این سهم به مرور در حال کاهش است. طبق گزارش آنکتاد، ۳۹ درصد کل منابع خارجی جذب شده توسط کشورهای در حال توسعه از روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب می‌شود. منابع مالی ارسالی مهاجرین به موطن خود،^۱ جذب سرمایه در بازار بورس و دریافت کمک‌های توسعه‌ای رسمی در رده‌های بعدی جذب منبع مالی قرار دارند.

نمودار ۴. نقش FDI در تشکیل سرمایه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، ۱۹۹۰-۲۰۱۴



مأخذ: آنکتاد.

گفته می‌شود هنگامی که دسترسی به سایر روش‌های تأمین مالی به حداقل می‌رسد؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی تبدیل می‌گردد؛ لیپسی (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که FDI، مورد اعتمادترین منبع سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورهای در حال توسعه بوده است. اما باید به این نکته توجه داشت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ضرورتاً شامل انتقال سرمایه نیست؛ بلکه ممکن است سرمایه‌گذار از طریق استقراض از مؤسسات مالی کشور میزبان، اقدام به افزایش سرمایه خویش نماید (رسولی قهرودی، ص ۲۳).



جذب سرمایه خارجی با هدف تأمین مالی و بدون ایجاد محدودیت ممکن است آثار مخربی نیز برای کشور میزبان داشته باشد. سرمایه‌گذار خارجی در اقتصادهای مبتنی بر منابع طبیعی، گرایش بالایی در ارائه خدمات غیرقابل مبادله مثل مستغلات، گردشگری و مخابرات دارد. در کشورهای خاورمیانه و دارای منابع طبیعی، ورود سرمایه می‌تواند خطر بیماری هلندی را برای این اقتصادها مضاعف کند (رضوی، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

همچنین سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در ثبات اقتصادی مؤثر باشد. ایجاد پیوند و ارتباط بین کشور میزبان و اقتصاد بین‌المللی موجب گره خوردن منافع و به سبب آن افزایش موقعیت رقابتی یک کشور در بازارهای بین‌المللی و امنیت اقتصادی می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند بر سیاست‌های داخلی (حاکمیت) کشور میزبان تأثیر بگذارد (صارمی، ۱۳۹۸، ص ۴۰۰).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق راه‌اندازی تأسیسات و امکانات جدید (به‌طور مستقیم) یا از طریق اشتغال در شبکه‌های توزیع (به‌طور غیرمستقیم) باعث افزایش اشتغال می‌شود. همین‌طور از طریق اکتساب و ساختاردهی مجدد برخی شرکت‌هایی که وضعیت نامساعدی دارند، می‌تواند به حفظ اشتغال کمک کند. سرمایه‌گذاری خارجی در صورتی که در بخش‌های فناوری‌محور و سرمایه‌بر صورت پذیرد، می‌تواند برای نیروی تحصیل‌کرده و متخصص ایجاد شغل کند. البته FDI از طریق تسهیلات تولیدی موجود می‌تواند باعث کاهش سطح اشتغال شود. کسب‌وکارهای سنتی و متکی بر نیروی انسانی در معرض بیشترین تهدید هستند. همین‌طور این سرمایه‌گذاری باعث تشدید فاصله طبقاتی از طریق عرضه فرصت‌های شغلی کمتر و با درآمد بالاتر می‌شود. اگر FDI با اولویت اشتغال صورت پذیرد می‌تواند منجر به ورود تکنولوژی پایین و کاهش بهره‌وری شود؛ همین‌طور اگر با هدف بازارهای مصرف داخلی و به‌خصوص در بخش‌های غیرقابل مبادله مانند مسکن و مخابرات باشد باعث ایجاد توان رقابتی در کشور پذیرنده نخواهد شد و کشور در تله بهره‌وری پایین - رشد پایین گرفتار می‌شود (همان).

از منظر دیگر، FDI می‌تواند جایگزین واردات شود و یا می‌تواند ابزار توسعه صادرات باشد. شرکت‌های فراملی می‌توانند فناوری لازم جهت تولید محصولات باکیفیت، دسترسی به بازارهای صادراتی و برند را با خود به کشور میزبان بیاورند. اما واردات محصولات واسطه‌ای از کشور اصلی را افزایش می‌دهد و از این‌رو موجب افزایش واردات به کشور می‌شود. تجارب کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نشان داده است سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین واردات نتوانسته منجر به توسعه اقتصادی شود، اما FDI با هدف توسعه صادرات و با اعمال هم‌زمان توسعه سیاست‌های صنعتی به جهش صنعتی منجر شده است (همان).

بعضی از شرکت‌های چندملیتی در چارچوب مسئولیت اجتماعی اقدام به اجرای طرح‌هایی می‌نمایند که به محیط پیرامون از جمله محیط زیست کمک کنند، اما در عین حال می‌توانند به سبب بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی به محیط پیرامونی - به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه - آسیب برسانند. به عبارت دیگر، یکی از دلایل انتخاب کشورهای در حال توسعه توسط شرکت‌های چندملیتی این است که الزامات زیست‌محیطی این کشورها ساده‌تر است (همان).

فناوری اصلی‌ترین کانال تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر اینکه به صورت مستقیم فناوری روز دنیا را در قالب ماشین‌آلات، تجهیزات و دانش مدیریتی وارد کشور میزبان می‌کند، از طریق سرریز فناوری می‌تواند باعث ارتقای فناوری کشورهای میزبان شود. اثر سرریز در این حیطه به این معناست که ورود سرمایه‌گذار خارجی با بهره‌وری بالاتر باعث افزایش بهره‌وری شرکت‌های داخلی می‌شود. سرریز فناوری اول از طریق ارائه آخرین مظاهر فناوری توسط شرکت‌های چندملیتی به کشورهای میزبان اتفاق می‌افتد، همچنین ورود شرکت‌های خارجی منجر به رقابت بیشتر بین صنایع محلی شده در نتیجه افزایش انگیزه شرکت‌های محلی در استفاده کارا تر از فناوری‌ها و منابع موجود و خلق فناوری‌های جدید می‌شود. عامل سوم شامل تأثیر ارتباطی با شرکت‌های خارجی است، این تأثیر شامل سرریزهای ناشی از ارتباطات پسینی و پیشینی است و زمانی روی می‌دهد که شرکت‌های خارجی به برقراری ارتباط با تأمین‌کنندگان و مشتریان داخلی می‌پردازند «اثر رقابتی» سرریز داخل صنعت^۱ بوده و «ارتباطات پسینی - پیشینی» اثری بین صنعتی^۲ دارد (Branstetter, 2004). چهارمین عامل گردش نیروی کار است.

شدت اثر سرریز به میزان رقابت، شکاف تکنولوژی و قابلیت جذب تکنولوژی توسط شرکت‌های داخلی بستگی دارد. به این صورت که اثر سرریز در بخش‌های با رقابت بیشتر، بالاتر است. اثر شکاف تکنولوژی بر شدت اثر سرریز نامشخص است. به نظر می‌رسد اگر شکاف تکنولوژی میان شرکت خارجی و شرکت‌های داخلی خیلی بزرگ باشد، تکنولوژی مورد استفاده شرکت خارجی عملاً استفاده چندانی برای شرکت‌های داخلی، که عملیات خود را به شیوه کاملاً متفاوتی انجام می‌دهند، نخواهد داشت. عامل دیگر در تفاوت کشورها در اثر سرریز ممکن است به دلیل تفاوت قابلیت جذب تکنولوژی توسط شرکت‌ها باشد. میزان فعالیت تحقیق و توسعه شرکت به طور مثبت بر توانایی شرکت برای استفاده از اثر سرریز (جذب تکنولوژی) تأثیر می‌گذارد. همچنین فعالیت تحقیق و توسعه و توسعه منابع انسانی در شعبه خارجی نیز اثر مثبتی بر اثر سرریز دارد (نیلی، ۱۳۹۲، ص ۶۶۰).

براساس ادبیات اقتصادی و نیز مطالعات تجربی هیچ اظهارنظر قطعی بر وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمی‌توان کرد. در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی نرخ رشد تکنولوژی و سطح بهره‌وری را تغییر ندهد، اثر آن تغییر سطح سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت خواهد بود و بنابراین سرمایه انباشت شده و درآمد سرانه کشور میزبان افزایش می‌یابد، ولی نرخ رشد بلندمدت از سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر نمی‌پذیرد (Hsiao and Hsiao, 2006). بنابراین چنانچه سرمایه‌گذاری خارجی بتواند از طریق انتقال تکنولوژی و دانش بر نرخ رشد بهره‌وری و کارایی مؤثر باشد، آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی بر نرخ رشد اقتصادی قابل مشاهده خواهد بود. در حقیقت تقابل رویکردها در تبیین نحوه انتقال فناوری از کانال FDI است.

1. Intra-industry

2. Inter-industry



در رویکرد میانه اعتقاد بر این است که در صورت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دستیابی به فناوری‌های شرکت‌های چندملیتی به‌صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد. مثال‌های زیادی از عدم تأثیر مثبت این شرکت‌ها بر اقتصادهای میزبان وجود دارد (Görg, Greenaway, & Gorg, 2004) زیرا شرکت‌های چندملیتی سعی می‌کنند از ایجاد رقیب برای خود جلوگیری کرده و حداکثر تلاش خود را جهت به‌دست آوردن بازارهای بیشتر و انتشار کمتر فناوری به‌عنوان ارزشمندترین دارایی‌شان به‌کار گیرند (Zhao, 2006). واقعیات تجاری امروز حاکی از آن است که صاحبان فناوری واقف به ارزش دارایی خود هستند و نظر به قدرت چانه‌زنی بالایشان در مذاکرات تجاری، بدون دریافت امتیازات و در شرایط خاصی حاضر به در اختیار گذاشتن فناوری‌هایشان نیستند. لذا کشورهای در حال توسعه، که ابزارهای محدودی برای اقناع شرکت‌های چندملیتی برای انتقال مؤثر فناوری به داخل کشورشان در اختیار دارند باید با درایت خاصی از این ابزارها استفاده کنند.

بنابراین در رویکرد میانه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خودی خود و به‌تنهایی تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد و این بهبود شرایط اقتصاد میزبان و ایجاد ظرفیت‌های جذب و خلق فناوری است که هم‌زمان باعث افزایش رشد و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. در این رویکرد غالباً بر روی کانال انتقال فناوری و استفاده از آثار سرریز آن بحث و تأکید می‌شود دستیابی به فناوری‌های شرکت‌های چندملیتی به‌صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد. تحقیقات جدید پیرامون اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد کشور میزبان، بیشتر درخصوص انتقال تکنولوژی و افزایش بهره‌وری شرکت‌های کشور میزبان بحث می‌کنند و نتایج مختلفی در این زمینه گزارش می‌کنند.

در رویکرد حامیان جهانی‌شدن برای انتقال فناوری و بهره‌مندی از آثار سرریز آن به اجرای سیاست‌هایی با محوریت آزادسازی و جهانی‌سازی توصیه می‌شود؛ به‌طور مثال تأکید می‌شود در صورتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش تجارت شود، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که تغییرات توأم در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت به‌طور معنادار با رشد همبستگی دارد. استدلال می‌شود سیاست‌های محدودکننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در برخی از کشورها از جمله ممنوعیت مالکیت عمده توسط افراد خارجی، تحمیل شریک در سرمایه‌گذاری مشترک، دیگته کردن نیازمندی‌های کشور میزبان و حمایت از بازار داخلی، اثر نامطلوبی بر عملکرد شعب خارجی دارند و از یکپارچه شدن تولید اقتصاد میزبان با شبکه جهانی شرکت‌های فراملیتی نیز ممانعت می‌کنند. افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها با وجود چنین سیاست‌های محدودسازنده‌ای احتمالاً با افزایش تجارت همراه نشده و حتی ممکن است با کاهش تجارت همراه باشد، زیرا تولید شعب خارجی جانشین واردات می‌شود. در مقابل افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهایی با سیاست‌های بازتر سرمایه‌گذاری احتمالاً منجر به افزایش توأم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت می‌شود، چراکه شعب خارجی کالاهای واسطه‌ای وارد کرده و محصول نهایی را صادر می‌کنند که اثر مثبتی بر رشد دارد (نیلی ۱۳۹۲، صص ۶۶۱ و ۶۶۲).

به‌طور کلی زمانی که برای شرکت خارجی محدودیت‌هایی نظیر الزام به استفاده از شریک داخلی و انتقال تکنولوژی تعیین می‌شود، منجر به آن می‌شود که فعالیت‌های این شرکت‌ها معطوف به تأمین نیاز داخلی باشد. شرکت‌های فراملیتی که از شعب خود در خارج از کشور به‌عنوان زنجیره تأمین استفاده می‌کنند برای باقی ماندن در بازار رقابتی بین‌المللی باید شعب خود را همیشه در مرز دانش نگه دارند. این موضوع باعث می‌شود تا سطح تکنولوژی در این شرکت‌ها افزایش یابد و انتقال تکنولوژی نیز صورت گیرد. اما در زمانی که شرکت خارجی تنها برای نیاز داخلی تولید می‌کند، الزام کمتری به ارتقای تکنولوژی دارد (همان، ص ۶۶۲). سیاست‌های مهمی که در کشوری باید به اجرا گذاشته شود تا بتوان از منافع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده کرد و رشد اقتصادی ایجاد کرد عبارتند از: سطح حداقلی از سرمایه انسانی، بازارهای مالی پیشرفته (آلفارو، چاندا، کالملی و سایک، ۲۰۰۴)^۱ و باز بودن تجاری (بالاسوبرامانیام، ۱۹۹۶)^۲.

علاوه بر اختلاف دیدگاه در مباحث نظری پیرامون آثار FDI، مطالعات تجربی نیز نتایج متفاوت و بعضاً متناقضی را نشان می‌دهند. به‌دلیل حجم انبوه مطالعات تجربی و اقتصادسنجی در این زمینه تنها به دو مقاله که به روش فراتحلیل به جمع‌بندی و استنتاج از بیش از ۱۰۰ مطالعه درخصوص بررسی آثار سرریز FDI پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

میر و سینانی (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر FDI بر سرریز فناوری در سطح خرد و به روش فراتحلیل پرداخته‌اند. در این مقاله نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ۶۶ مقاله معتبر در این حوزه جمع‌بندی شده و در جدول زیر آمده است. همان‌گونه که قابل مشاهده است درخصوص تأثیر مثبت یا منفی FDI اظهارنظر قطعی نمی‌توان کرد.

جدول ۳. اثر FDI بر سرریز فناوری به روش فراتحلیل در مطالعه میر و سینانی (۲۰۰۸)

نوع کشور / نتایج	اثر مثبت	اثر منفی	اثر نامشخص	مجموع
در حال توسعه	۱۵	۳	۵	۲۳
در حال گذار	۱۱	۵	۶	۲۲
توسعه یافته	۱۱	۷	۳	۲۱
مجموع	۳۷	۱۵	۱۴	۶۶

مأخذ: میر و سینانی، ۲۰۰۸.

همچنین در مقاله جورج و استروبل (۲۰۰۴) نیز ۵۶ مقاله به روش فراتحلیل مورد بررسی قرار گرفته تا آثار سرریز FDI بر بهره‌وری درون‌صنعتی، بهره‌وری بین‌صنعتی، سرریز دستمزد و سرریز صادرات ارزیابی گردد. نتایج مطالعه آنان با عنوان «هیاهو بر سر هیچ؛ آیا بنگاه‌های محلی واقعاً از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منتفع می‌شوند؟» در جدول ۳ آمده است و نشان می‌دهد نتیجه‌گیری قطعی درخصوص آثار مثبت یا منفی سرریز FDI نمی‌توان کرد. طبق نتایج این مقاله می‌توان گفت هرچه رقابت مستقیم بین شرکت‌های

1. Alfaro, Chanda, Kalemli-ozcan, & Sayek, 2004

2. Balasubramanyam, Salisu, & Dapsoford, 1996)



خارجی و مؤسسات داخلی بیشتر باشد، احتمال وقوع سرریز فناوری افزایش می‌یابد و در غیر این صورت مؤسسات داخلی مجبور به تسلیم کردن سهم بازارشان به طرف خارجی هستند.

جدول ۴. اثر FDI بر سرریز فناوری به روش فراتحلیل در مطالعه جورج و استروبل (۲۰۰۴)

نوع تأثیر / نتایج	سطح توسعه کشور	اثر مثبت	اثر منفی	اثر نامشخص	مجموع
اثر سرریز بهره‌وری درون‌صنعتی (۴۰ مقاله)	در حال توسعه	۱۰	۲	۵	۱۷
	در حال گذار	۱	۳	۴	۸
	توسعه‌یافته	۸	۰	۹	۱۷
سرریز بین‌صنعتی (۵ مقاله)	-	۳	۰	۲	۵
دستمزد (۴ مقاله)	-	۱	۰	۳	۴
صادرات (۵ مقاله)	-	۳	۰	۵	۲۴
مجموع		۲۷	۵	۲۴	۵۶

مأخذ: جورج و استروبل، ۲۰۰۴.

۵. تجربه کشورها در بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت رشد و توسعه اقتصادی

تجربه برخی کشورهای آسیای شرقی به‌دلیل رشد چشمگیر اقتصادی و جذب بالای سرمایه خارجی در دهه‌های اخیر، نمونه‌های ایدئالی برای بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. در رویکرد حامیان جهانی‌سازی، رشد اقتصادی این کشورها متأثر از آزادسازی و پیوستن به اقتصاد جهانی توصیف می‌شود. اما همان‌گونه که پیش از این اشاره شد در رویکرد میانه، آزادی برای ورود سرمایه خارجی به‌صورت مشروط و با تأکید بر لزوم ایجاد زمینه و شرایط در اقتصاد میزبان می‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی گردد.

در این بخش تجربه کشورهای موفق آسیای شرقی از جمله هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی، کره جنوبی و چین در زمینه نحوه استفاده از FDI در جهت رشد و توسعه اقتصادی از نگاه اندیشمندان و اقتصاددانان با رویکرد میانه تحلیل می‌شود. در ادامه به پدیده نوظهور جریان سرمایه خارجی از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به کشورهای پیشرفته با تأکید بر تجربه سرمایه‌گذاری چین در کشورهای پیشرفته با هدف دستیابی به فناوری روز دنیا اشاره می‌شود و در انتها تحلیل، مقایسه و جمع‌بندی به‌صورت استخراج درس‌هایی از تجربه کشورها ارائه خواهد شد.

۵-۱. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی کشورهای آسیای شرقی

هنگ کنگ

به‌رغم سیاست درهای باز برای FDI، توسعه صنعتی هنگ کنگ غالباً توسط بنگاه‌های داخلی صورت گرفت. شرکت‌های چندملیتی‌ای که وارد هنگ کنگ شدند چون مانند بنگاه‌های داخلی در فناوری‌های پیشرفته‌تر در مجموعه فعالیت‌های کاربر تخصص داشتند، وارد فعالیت‌های خدماتی شدند. دولت هیچ تلاشی برای هدف‌گیری FDI در صنایع با فناوری برتر یا تشویق به تعمیق صنعتی و ارتقای فناوریانه، صورت نداده است. بنابراین اطلاعات فناوریانه مورد نیاز، ساده بود و از طریق یافتن تأمین‌کنندگان بین‌المللی تجهیزات، افزایش ارتباطات با بازارهای عرضه و برخی مؤسسه‌های دولتی حمایت‌کننده فناوری، برآورده می‌شد. حضور خریداران خارجی همواره منبعی حیاتی برای پشتیبانی و اطلاعات فناوریانه بود. در طول زمان ارتقای چشمگیری در تجهیزات و محصولات فعالیت‌های با فناوری پایین که هنگ کنگ با آنها شروع کرد، رخ داد؛ اما ورود نسبتاً کمی به فناوری‌های پیچیده و محتاج به تحقیقات که دیگر کشورهای تازه صنعتی شده آن را هدف‌گیری کرده بودند، صورت گرفت (لل، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷).

دستمزدهای نسبتاً پایین هنگ کنگ، به روند شایان توجه تخصصی شدن در محصولات کاربر ساده منجر شد. افزایش دستمزدها، با افزایش هزینه زمین ترکیب شد و با وجود سیاست‌های تعمیق صنعتی ضعیف، روند صنعتی شدن در هنگ کنگ معکوس گردید. بنابراین اشتغال در بخش صنعتی هنگ کنگ تا ۵۰ درصد کاهش یافت و سهم صنعت در GDP از ۲۵ درصد به ۷ درصد در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ رسید (همان، ص ۱۸۸).

– سنگاپور

اقتصاد سنگاپور بسیار کوچک‌تر از اقتصاد هنگ کنگ است، اما ساختار صنعتی آن عمیق‌تر است و همچنان رشد صادرات صنعتی خود را حفظ کرده است. سنگاپور وقتی از مالزی جدا شد به کشور تجارت آزاد مبدل شد و از طریق جستجو و هدف‌گیری پیگیرانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جستجوی موقعیتی مناسب در شبکه‌های تولید شرکت‌های فراملیتی، رشد کرد و با اقدامات مختلفی تحرک منابع داخلی آن افزایش یافت. به‌رغم داشتن موضع تجارت آزاد، دولت سنگاپور بسیار مداخله‌گر بود و از مؤلفه انتخاب و گزینش در هدف‌گیری فعالیت‌ها، بنگاه‌ها، مهارت‌ها و غیره استفاده می‌کرد (لل، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸ و ۱۸۹).

سنگاپور برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، در تعلیم و تربیت و زیرساخت‌های فیزیکی سرمایه‌گذاری سنگینی کرد. این کشور یک ساختار آموزشی کارا، هدف‌گیری شده به سمت صنعت و مبتنی بر آموزش‌های فنی برتر را توسعه داد و این ساختار یکی از بهترین سیستم‌ها در جهان برای پرورش کارگران متخصص است. سیاست‌های سنگاپور برای جذب FDI، مبتنی بر شرایط ورود و مالکیت آزاد، دسترسی آسان به مهارت‌های خارجی و مشوق‌های بسیار قوی برای فعالیت‌هایی بود که سنگاپور به دنبال پیشبرد آنها بود. سنگاپور در سال ۱۹۶۱ برای هماهنگ‌سازی سیاست، ارائه مشوق‌هایی جهت هدایت سرمایه‌گذاران خارجی



به فعالیت‌های هدف‌گیری شده، کسب و خلق دارایی‌های صنعتی برای جذب شرکت‌های چندملیتی و خصوصاً تسلط فکری بر سیاست صنعتی، شورای توسعه اقتصادی (EDB) را تأسیس کرد. بخش عمومی در سنگاپور همواره نقش مهمی را در شروع و تقویت فعالیت‌های برگزیده شده دولت ایفا کرده است. بخش عمومی مثل کاتالیزور برای سرمایه‌گذاری خصوصی عمل کرده و وارد حوزه‌هایی شده که برای بخش خصوصی ریسک بالایی داشته است. اتکای اصلی سیاست‌های واردات فناوری سنگاپور بر هدف‌گیری FDI بوده است؛ همچنین دولت با پیشبرد پیمانکاری فرعی و بهبود خدمات گسترش، به دنبال افزایش پیوندها با شرکت‌های داخلی بوده است. (همان، ص ۱۸۹ و ۱۹۰)

– مالزی

استراتژی سنگاپور را برخی از کشورهای تازه صنعتی شده از جمله مالزی تقلید می‌کنند. در کشورهای جنوب شرقی آسیا، مالزی موفق‌ترین کشور در جذب شرکت‌های چندملیتی دارای فناوری برتر در تولید صنعتی بوده است و رشد آن نیز مانند سنگاپور با واردات درونی شده فناوری توسط صنعت الکترونیک صادرات‌محور، هدایت شده است. موفقیت اولیه مالزی در جذب شرکت‌های چندملیتی الکترونیک براساس هدف‌گیری بنگاه‌هایی بوده است که فعالیت‌های مونتاژ کاربرتر خود را از سنگاپور به مالزی منتقل کرده‌اند. مالزی به آن بنگاه‌ها، زیرساخت خوب، دستمزدهای پایین، نیروی کار باسواد و آموزش‌پذیر، اقتصاد کلان باثبات و پول رایج قابل تبدیل، که با مدیریت کارا و مشوق‌های بسیار زیاد برای فعالیت صادرات‌محور ترکیب شده است، ارائه کرد. مالزی در اوایل دهه ۱۹۷۰ توانست از دیگر کشورهای در حال توسعه فعال در مونتاژ الکترونیکی پیشی بگیرد. همین باعث شد که مالزی از مزایای فراوان متقدم بودن برخوردار شود. به همین علت شرکت‌های چندملیتی با افزایش دستمزدها دست به عقب‌نشینی نزدند، بلکه اتوماسیون و ارتقای فرایند را افزایش دادند. مالزی سیاست‌های مدل سنگاپور در زمینه تحریک شرکت‌های چندملیتی در ارتقای فناوری را با انجام توسعه و طراحی داخلی و دستیابی به پیوندهای عمیق‌تر تأمین داخلی، اتخاذ می‌کند. سازمان پیشبرد سرمایه‌گذاری مالزی تا سال‌های اخیر سیستم انگیزشی خود را اجرا کرده است که به‌رغم ضعف نیروی کار فنی، ارتقای فناوری خود را در همان سطحی که سنگاپور به آن دست یافته است، نگه دارد (همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۱).

سانجایا لال علت عقب‌ماندگی مالزی از سنگاپور در دهه ۸۰ میلادی را کمبود مهارت و دانش نیروی انسانی می‌داند. «در مالزی پایه سرمایه انسانی در راستای ساختارهای صادراتی و تولیدی آن نیستند. عقب‌افتادگی مالزی در تحقیق و توسعه و فعالیت‌های نوآوری، آن را پشت سر ببرهای بالغ آسیا قرار داده است. بسیاری از اختراعات در مالزی به دست خارجی‌ها ثبت شده و در داخل مالزی توسعه نیافته است. این نشان‌دهنده سطح پایین تحقیق و توسعه در مالزی است. بخش خصوصی فقط به اندازه ۰/۱۷ درصد از GNP در سال ۱۹۹۲ در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کرده است. بیشترین سهم تحقیق و توسعه در مالزی، از آن صنعت ماشین‌آلات الکتریکی است که آن هم اغلب خارجی است؛ این تحقیق و توسعه

خارجی‌ها در مالزی نیز بیشتر صرف طراحی مجدد محصولات بالغ و بهبود اندک در فرایند می‌شود. چالشی که اکنون مالزی با آن مواجه است، پُر کردن شکاف‌های فناوری موجود در پایه تولیدی آن است؛ تا جایی که این پایه تولیدی خود بتواند از رقابتمندی فناوری پیشرفته حمایت کند. این انتقال فقط به افزایش رقابتمندی بنگاه‌های داخلی نیاز ندارد؛ بلکه تداوم جذب FDI در سطوح بالای پیچیدگی فنی و مهارت‌ها، افزایش مشارکت داخلی در تولید و فعالیت فناورانه و فراهم آوردن تأمین‌کنندگان و ساختار خدماتی لازم برای شرکت‌های فراملیتی، نیز ضرورت دارد» (همان، ص ۲۳۱ و ۲۳۳).

- کره جنوبی

صنعت کره به‌جای اتکا به انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، براساس فناوری‌های صنعتی بنگاه‌های بومی بنا شده است. این کشور در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست‌گزینی را اعمال می‌کرد. کره‌ای‌ها بعد از گذشت چند سال از فعالیت شرکت‌های ژاپنی در کره، آنها را به فروش شرکت به چبول‌ها^۱ تشویق می‌کردند. در بُعد فناورانه، استراتژی این کشور در قبول سرمایه‌گذاری خارجی برای به‌دست آوردن صنایع بیشتر، کسب مهارت و خلق فناوری بوده است (همان، ص ۱۵۷).

FDI در کره فقط در جایی که ضروری تشخیص داده می‌شد، جایز بود و دولت حفظ کنترل و اداره بنگاه‌ها با نیروهای داخلی را دنبال می‌کرد. اینکه مالکیت بنگاه به‌طور حداکثری در دست طرف خارجی باشد، جایز نبود، مگر در شرایطی که به دنبال فناوری‌هایی بودند که بنگاه مادر آنها را بسیار سخت فقط در اختیار خود نگه می‌داشت و یا برای اینکه صادرات در فعالیت‌های یکپارچه بین‌المللی تقویت شود. دولت کره در قراردادهای فناوری دخالت می‌کرد تا خریداران داخلی را تقویت کند و همچنین در پی حداکثر کردن مشارکت مشاوران داخلی در قراردادهای مهندسی بود تا قابلیت‌های اساسی فرایند را توسعه دهد. در سال ۱۹۷۳ دولت کره قانون پیشبرد خدمات مهندسی را برای حمایت و تقویت بخش خدمات مهندسی داخلی وضع کرد؛ قانونی نیز برای توسعه مؤسسه‌های تحقیقاتی معین وضع شد تا مشوق‌هایی قانونی، مالی و مالیاتی برای مؤسسه‌های دولتی و خصوصی در فعالیت‌های فناورانه منتخب فراهم گردد. این کشور همچنین استخدام متخصصان خارجی و ورود غیررسمی مهندسانی از ژاپن را تشویق کرد تا به حل مشکلات فنی کره کمک کنند (همان، ص ۱۷۹).

درحقیقت، در دسترسی به فناوری خارجی، کره واردات فناوری بیرونی شده را بر روش‌های دیگر ترجیح داد. کره برای تحصیل فناوری در ابتدا به واردات کالای سرمایه‌ای، فناوری تحت لیسانس و دیگر موافقتنامه‌های انتقال فناوری، تکیه کرد. FDI فقط وقتی جایز بود که تنها راه دستیابی به فناوری و بازارهای جهانی بود. حتی پس از آن دولت سرمایه‌گذاری‌های مشترک را که دارای مالکیت مساوی طرفین و یا مالکیت حداکثری طرف کره‌ای بود، تشویق کرد و بدین صورت قابلیت تحقیق و توسعه بالایی را به‌وجود آورد. در

1. Chaebols



برخی موارد هم سرمایه‌گذاران خارجی مجبور شدند تا بعد از جذب فناوری در داخل، سهم خود را فروخته، قرارداد را فسخ کنند. در نتیجه، کره پایین‌ترین سطح اتکا بر FDI را در بین کشورهای در حال توسعه (به‌استثنای هند) داشت. در سال‌های اخیر، دولت کره تحت فشار شرکای تجاری خود، قانون سرمایه‌گذاری خارجی را آزاد ساخت. با وجود این، هنوز برخی محدودیت‌ها هست، وضعیت جبهه‌گیری چپول کره، الان بدین معناست که کره دریافت‌کننده کوچک FDI در صنعت باقی بماند. چپول‌ها به شرکت‌های فراملیتی بزرگ و قدرتمندترین شرکت‌های فراملیتی جهان سوم تبدیل شدند (همان، ص ۱۹۴).

هاجون چانگ نیز معتقد است سرمایه‌گذاری خارجی نقش چندانی در تأمین سرمایه در دوران جهش رشد اقتصادی کره نداشته است. از آنجا که سیاستگذاران کره‌ای قدرت جذب فناوری پیشرفته در بنگاه‌های داخلی را شرط اصلی ارتقای مناسب صنعتی می‌دانستند، به‌نظر ایشان چنین واقعیتی به‌معنای ضرورت نظارت سخت‌گیرانه دولت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. البته شکاف دائمی پس‌اندازی باید پُر می‌شد، ولی سیاستگذاران کره‌ای برای پُر کردن این شکاف از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوری کرده و از وام‌های خارجی (که همگی ضمانت دولتی داشت) برای این ارتقای صنعتی استفاده کردند. به این ترتیب سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کل ورود سرمایه خارجی (بجز کمک‌های خارجی) در دوره ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۳ فقط ۵ درصد بود^۱ (چانگ، ۱۳۹۲، ص ۱۴۸).

سیاست تحت لیسانس در طول دهه ۱۹۸۰ وقتی نیاز به فناوری‌های پیشرفته افزایش یافت، آزاد شد. این رژیم، بنگاه‌های واردکننده فناوری را به مهندسی معکوس و انجام تحقیق و توسعه تشویق کرد تا قابلیت‌های فناورانه درون‌زا توسعه یابد، بسیاری از بنگاه‌های بزرگ‌تر توانستند وارد سرمایه‌گذاری‌های مشترک با رهبران فناوری در جهان بر مبنایی برابر شوند. در زمینه مهندسی فرایند و کارخانه، دولت کره شرط کرد که پیمانکاران خارجی باید دانش طراحی خود را به بنگاه‌های داخلی منتقل کنند و در نتیجه بنگاه‌های داخلی به سرعت فناوری‌های طراحی در برخی صنایع فرایند را جذب کردند. کره حتی در استفاده از فناوری وارد شده برای توسعه پایه داخلی قابلیت‌های خود در فعالیت‌های پیشرفته از تایوان هم توانا تر بود و منفعلانه به جریان ورودی مهارت‌ها و نوآوری‌های خارجی وابسته باقی نماند (لل، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵). بنابراین زیربنای تولیدی و تحقیقاتی کره که دیگر کشورهای در حال توسعه فاقد آن هستند، براساس توانایی در تقلید، تطبیق و ساخت پیشرفته‌ترین فناوری‌های صنعتی است. الگوی توسعه رقابت‌مندی کره با آنچه در هنگ‌کنگ روی می‌دهد کاملاً متفاوت است. در این روش جهت‌گیری به سمت گسترش صنعتی پایدار است. برخلاف آنچه در هنگ‌کنگ اتفاق افتاد (روند معکوس صنعتی شدن) روش کره‌ای پیشنهاد می‌کند که توسعه دانش بومی، مزایای دائمی فراوانی دارد. این روش علاوه بر کاهش چشمگیر هزینه انتقال فناوری، به صادرات محصولات صنعتی پیشرفته نیز که قبلاً با سرمایه‌گذاری خارجی صورت می‌گرفت، تنوع می‌بخشد. این کشور با مجبور کردن بنگاه‌ها به واردات فناوری‌های

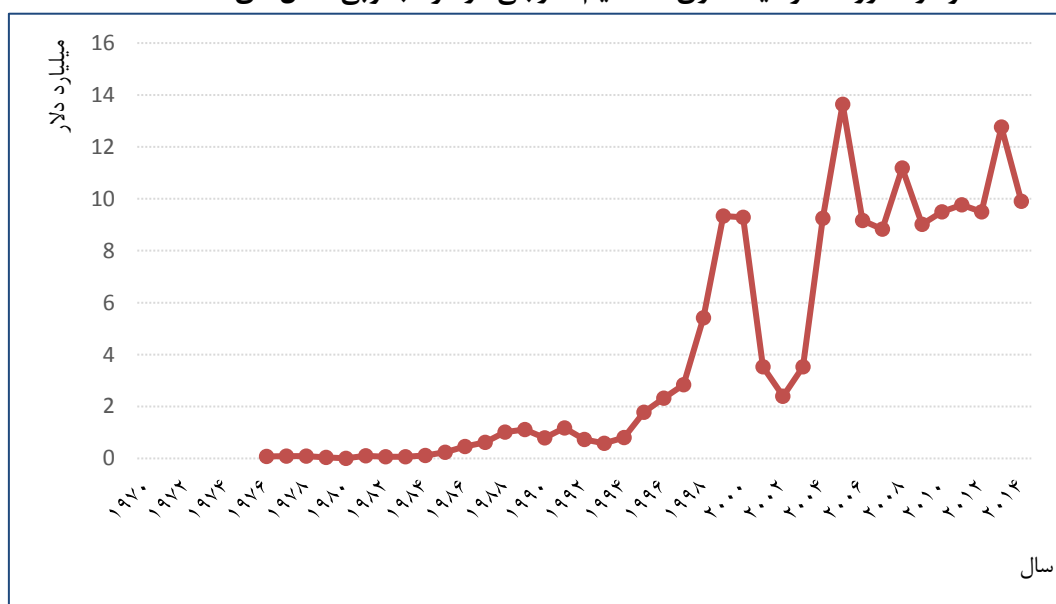
1. Amsden, 1989, p. 92, Table 5.

پیشرفته، رقابت با بازارهای بین‌المللی را پیگیری می‌کند. با وجود این، کره هم‌زمان صنایع داخلی را نیز به سمت توسعه مهارت‌ها و دانش فنی سوق می‌دهد. این سیاست بسیار پیشرفته‌تر از حالتی است که فناوری را مانند جعبه‌ای سیاه وارد می‌کند و سعی در استفاده از آن دارد (همان، ص ۱۵۷ و ۱۵۸).

حضور بین‌المللی چپول‌ها سریع و به اندازه کافی، برای مدیریت واردات فناوری آنها توسعه یافت. با وجود این، مدام باید به شرکت‌های کوچک و متوسط برای جستجو و خرید فناوری‌های خارجی کمک می‌شد. کره همراه تایوان (و ژاپن) یک پایگاه داده درباره منابع و قیمت‌های تأمین فناوری گردآوری کرد. این پایگاه داده با پایگاه‌های داده خارجی مشابه آن مرتبط شد و در مراکز صنعتی بزرگ به صورت برخط است. در کره برای افزایش پیوندهای فناورانه شرکت‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ نیز یک برنامه وجود داشت. خریداران خارجی برای کره و دیگر کشورهای صادرات محور منبع ارزشمند فناوری بودند. تلاش‌های دولت کره برای پیشبرد صادرات تا حد زیادی در این روش اکتساب فناوری سهیم بود (همان، ص ۱۹۵).

نمودارهای زیر نشان می‌دهند در دوره جهش رشد اقتصادی کره جنوبی (دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی) جذب FDI بسیار محدود بوده و آزادسازی FDI در دوران توسعه‌یافتگی کره جنوبی (پس از بحران مالی ۱۹۹۸) اتفاق افتاده است.

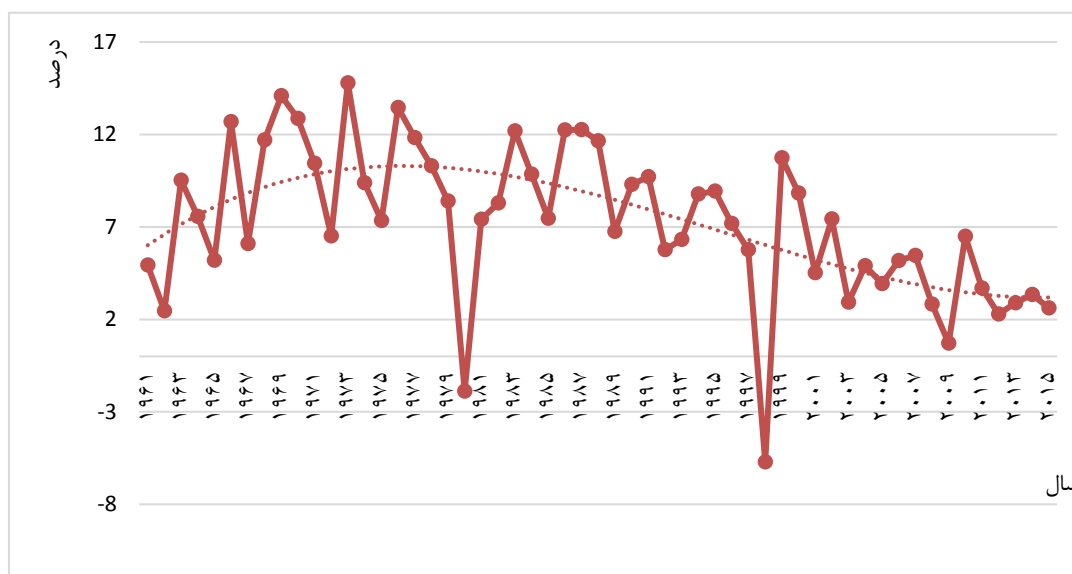
نمودار ۵. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره جنوبی، سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۴



مأخذ: بانک جهانی، WDI.



نمودار ۶. روند نرخ رشد اقتصادی در کره جنوبی، سال‌های ۱۹۶۱-۲۰۱۵



مأخذ: همان.

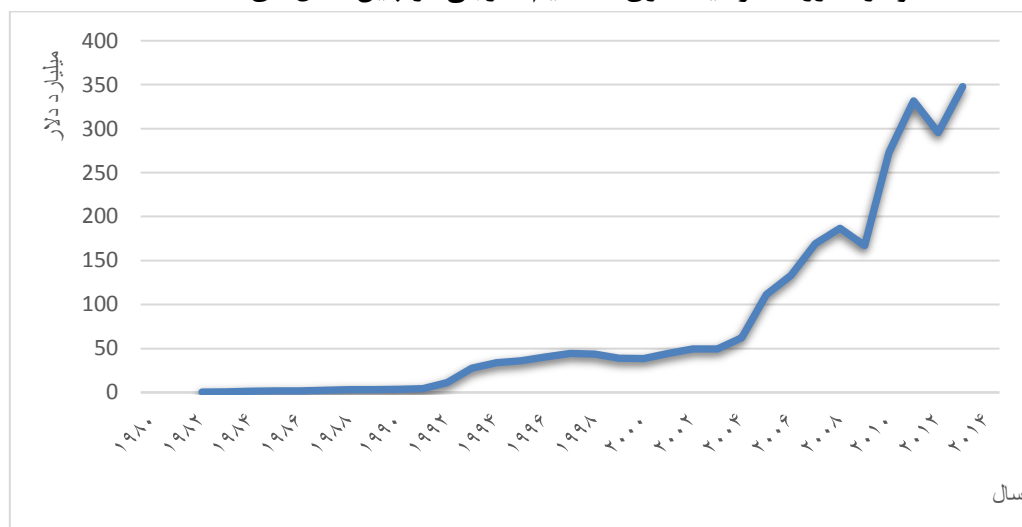
- چین

یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه توانمندی‌های فناوریانه کشور چین بوده است (Tuan & Ng, 2003). دولت این کشور با پی بردن به نقش و اهمیت فناوری در توسعه اقتصادی، مصمم گردید که شکاف فناوریانه بین خود و کشورهای پیشرفته را از میان بردارد. به همین منظور درهای خود را از اواخر سال ۱۹۷۸ بر روی همکاری‌های بین‌المللی باز کرده و فعالانه برای وارد کردن فناوری از خارج با استفاده از روش‌های مختلف انتقال فناوری تلاش کرده است. دو روش سرمایه‌گذاری مشترک و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از عمده‌ترین و موفق‌ترین روش‌های انتقال فناوری بوده‌اند (Zhang & Song, 2002).

این کشور توانسته است طی بازه زمانی ۱۹۷۹ تاکنون سطح توانمندی‌های فناوریانه خود را از صنایع مونتاژ و تقلید به سطح نوآوری در سطوح رقابت‌پذیر جهانی ارتقا دهد. در این زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها در مراحل اولیه توسعه فناوری در زمینه ایجاد توانمندی مونتاژ و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید و رشد صنعتی مؤثر بوده، بلکه این کشور توانست از FDI در کسب توانمندی‌های فناوریانه پیشرفته نیز استفاده کند. به عبارت دیگر، برخلاف مواردی که استفاده از FDI در ایجاد توانمندی‌های پیشرفته موفق نبوده (به‌خاطر ورود فناوری به صورت پکیج و همچنین حضور شرکت‌های بزرگ خارجی که مانع توسعه توانمندی‌های داخلی شده است)، در چین هم تجهیزات و ماشین‌آلات (خروجی تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی) وارد شده و هم بخش مهمی از فرایند تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی به این کشور منتقل شده است. در آخرین تغییر امروزه ما شاهدیم که بعد از گذشت چند دهه شرکت‌های بزرگ و چندملیتی چینی نیز ایجاد شده و در دنیا در سطح

رقابت‌پذیری فعالیت می‌کنند. درواقع چین با استفاده ترکیبی از بازیگران خارجی و داخلی توانسته توانمندی‌های فناورانه خود را به سطح رقابت‌پذیر جهانی ارتقا دهد (Mathews & Hu, 2008؛ Fagerberg 2001). دستیابی به این امر فقط با آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دست نیامده و نایل شدن به این مهم مرهون سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های تشویقی و الزامی متنوع به کار گرفته شده در برهه‌های مختلف است (Qian, 2002).

نمودار ۷. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین، سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۴



مأخذ: همان.

از سال ۱۹۹۲، FDI کانال اصلی یادگیری فناوری در چین شد و نقش آن از تأثیر وام‌های خارجی پیشی گرفت. در این مرحله دولت تأکید خود را بر روی محلی‌سازی فعالیت‌های با ارزش‌افزوده در داخل چین قرار داد. خارجی‌ها را مجبور به انتقال فعالیت‌های ارزش‌افزوده به داخل چین از طریق الزامات واردات و یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توافقنامه‌های مختلف نمود (White & Xie, 2006). در سال ۱۹۹۵ اولین کتاب تحت عنوان «راهنمای جذب سرمایه‌گذاری خارجی» تدوین شد. در این کتاب، پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور کلی در چهار دسته به شرح زیر طبقه‌بندی شدند: پروژه‌های تشویقی،^۱ پروژه‌های دارای محدودیت،^۲ پروژه‌های دارای ممنوعیت،^۳ پروژه‌های مجاز.^۴ در این میان، فناوری‌های جدید در محوریت پروژه‌های تشویقی قرار داشت. در کنار این محدودیت‌ها، وجود مشکل دیگری نیز باعث کاهش انگیزه شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مجاز و تشویق‌شده گردید و روند رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله

-
1. Encouraged
 2. Restricted
 3. Prohibited
 4. Permitted



۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ کاهش یافت و حتی رشد منفی را تجربه کرد. مشکل این بود که توسعه زنجیره ارزش و تولید قطعات در چین مقرون به صرفه نبوده و معمولاً فاقد فناوری، دانش و سطح کیفی مورد انتظار بود. از این جهت به صرفه بود که قطعات مورد نیاز به چین وارد شوند. برای حل مشکل ناکارآمدی و رقابت پذیری تأمین کنندگان محلی، سیاستگذاران چینی و برخی از مدیران اقدام به اجرای برنامه ارتقای فرایندهای تولید، اجرای روشهای عملیاتی استاندارد و ارتقای سیستمهای مدیریت برای افزایش کیفیت و کاهش قیمت نمودند.

همچنین در اوایل دهه ۱۹۹۰ برای اولین بار شرکت های خارجی اقدام به انجام تحقیق و توسعه به صورت محدود در چین نمودند. ورود شرکت های چندملیتی به فناوری های پیشرفته و تحقیق و توسعه با الزام و هدایت دولت چین با تأکید بر بخش الکترونیک صورت پذیرفت.

در کاتالوگ راهنمای سرمایه گذاری خارجی در صنایع چین پروژه های ممنوع شامل پروژه های منجر به اتلاف انرژی، پروژه های آلاینده، فناوری های از رده خارج و فناوری های با ارزش افزوده پایین (همچون اسباب بازی، پوشاک، مبلمان، لوازم خانگی، کفش، بخش مسکن و به صورت خاص پروژه های لوکس) بودند. از طرف دیگر پروژه های مرتبط با صرفه جویی انرژی، تکنولوژی های پیشرفته و تولید مدرن، طرح های حفاظت از محیط زیست، توسعه زیرساخت های حمل و نقل و بهبود فناوری کشاورزی مورد تشویق قرار گرفتند. البته از طریق قانون ضدانحصار در سال ۲۰۰۸، سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق ادغام و اکتساب برای جلوگیری از ایجاد انحصار شرکت های خارجی نیز تصویب شد. در این دوره که همچنان ادامه دارد می توان تفاوت بین رویکرد سرمایه گذاری های خارجی قبل و بعد از پیوستن به WTO را به خوبی درک نمود. تا قبل از سال ۲۰۰۱، سیاست مشوق های سرمایه گذاری در چین بیشتر به صورت مشوق های مالیاتی بود. اما در سیاست جدید، به جای آن مشوق های تسهیل کسب و کار و تأکید بر قوانین حقوق مالکیت مورد توجه جدی قرار گرفته است (OECD, 2008).

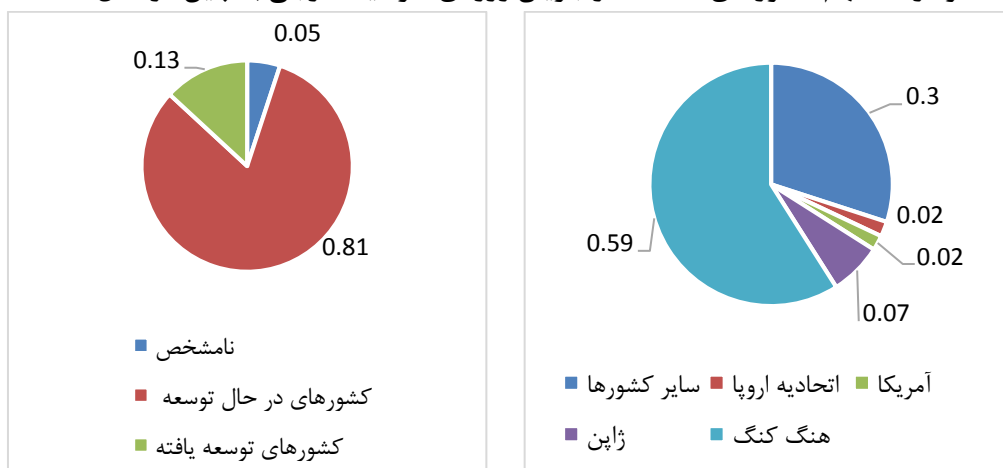
در این دوره علاوه بر تأکید بر حمایت مالکیت فکری وجود پارک های فناوری، مناطق توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی (ETDZs) و مناطق توسعه صنعتی با تکنولوژی بالا (HIDZs) در کنار سرمایه گذاری گسترده چین در تحقیق و توسعه باعث جذب گسترده مراکز تحقیق و توسعه به چین و به وجود آمدن مراکز جهانی نوآوری در چین شد (Zhang & Lio, Lin, 2009).

به لحاظ تفکیک منشأ سرمایه گذاری خارجی در چین می توان گفت، حدود ۷۰ درصد سرمایه گذاری خارجی توسط چینی های خارج کشور (مشمول بر چینی های هنگ کنگ) صورت گرفته است (آمستن، ۲۰۰۹، ص ۱۷۲). طبق آمارهای آنکتاب نیز بیشترین سهم جذب FDI چین از کشورهای آسیایی به ویژه هنگ کنگ است. در سال ۲۰۱۲، ۸۱ درصد جذب سرمایه خارجی چین از کشورهای در حال توسعه بوده که از این میزان ۵۹ درصد مربوط به هنگ کنگ است و تنها ۲ درصد مربوط به ایالات متحده آمریکا و ۲ درصد از مبدأ اتحادیه اروپا صورت گرفته است (نمودار ۷).

1. Economic and Technological Development Zones

2. High-technology Industrial Development Zones

نمودار ۸. سهم کشورهای مختلف در جریان ورودی سرمایه خارجی به چین در سال ۲۰۱۲



Source: www.unctad.org, FDI flows in the host economy by region, china

تلاش حداکثری دولت چین برای فراهم آوردن زیرساخت‌های توسعه توانمندی‌های فناورانه قابل توجه است. الزامات اجرای راهبردهای جهش فناورانه از نظر مالربا و نلسون شامل برقراری نظام یادگیری در شرکت‌های داخل صنعت، دسترسی به دانش خارجی، تربیت نیروی انسانی ماهر، ایجاد شبکه همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با شرکت‌های صنعتی و تأمین مالی مناسب است (Malerba & Nelson, 2011). در راه رسیدن به جهش فناورانه کشور چین در تمام این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری سنگینی نمود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

چین سرمایه‌گذاری زیادی بر روی توسعه زیرساخت دانشگاه‌ها، مراکز عمومی تحقیق و توسعه و پارک‌های فناوری نمود. نکته حائز اهمیت تلاش چین برای داشتن استانداردهای مورد نیاز شرکت‌های چندملیتی برای مراکز پژوهشی است. این استانداردها فقط شامل سطوح بالای علم و دانش نیست، بلکه توانمندی‌های فناورانه تقاضا - محور و معطوف به نیازهای شرکت‌های چندملیتی در این کشور شکل گرفت. چالش جدی این کشور علاوه بر فراهم نمودن سرمایه لازم برای تجهیز دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، فراهم آوردن نیروی انسانی و ارائه دوره‌های تحصیلات تکمیلی در علم و فناوری بود. دولت چین بسیار تلاش کرد تا دانشمندان و مهندسانی در کلاس جهانی تربیت کند و از این طریق فعالیت تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی را به سمت خود جذب کند. در این بین تشویق جوانان به ادامه مسیر شغلی در حوزه مهندسی و علوم یک ابزار سیاستی بود که البته با توسعه متوازن در همه سطوح اعم از تکنسین‌ها، نیروهای کار ماهر و دانشمندان همراه شد. استفاده از نظرات مدیران شرکت‌های تابعه در طراحی و توسعه رشته‌های دانشگاهی و همچنین طراحی دوره‌های مشترک و ارتباط مستمر دانشگاه با این شرکت‌ها ابزار مناسب دیگری بود که برای توسعه منابع انسانی در کلاس جهانی در چین استفاده شد.



گروه دیگر از ابزارهای سیاستی در این زمینه مربوط به بازگرداندن نخبگان بومی مقیم خارج یا چرخش مغزهاست. درواقع استفاده از مدیران و دانشمندان بومی مقیم خارج از مؤثرترین شیوه‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تحقیق و توسعه است که به‌خوبی در تجربه چین دیده می‌شود. چین سیاست‌های تشویقی متنوعی برای جذب متخصصان غیرمقیم خود به کار گرفت. سیاست‌های ترجیحی جذب افراد در یک پارک صنعتی هایتک جدید در پکن و پژوهانه‌های تحقیقاتی برای متخصصین مقیم خارج از کشور و افزایش میزان سپرده‌ای که قبل از خروج از کشور درخواست می‌شود، ازجمله این تمهیدات سیاستی بوده است.

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تحقیق و توسعه نیازمند توسعه تعاملات و برقراری ارتباطات شرکت‌ها با مشتریان رقبای تولیدکنندگان و انتشاردهندگان دانش مانند دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مشاوران و انجمن‌های صنعتی است. برای همین منظور کشور چین به‌صورت هدفمند به برقراری ارتباط بین شرکت چندملیتی و عرضه‌کنندگان و همین‌طور ایجاد خوشه‌های فناوری در اطراف این شرکت‌ها پرداخت. این کشور با ارائه برنامه‌هایی در زمینه مدیریت تکنولوژی، تغییر سازمان و مدیریت کیفیت به شرکت‌های محلی در توانمندسازی آنها کوشید. تأسیس مرکز ملی تحقیقات مهندسی برای مشارکت فعال در واردات و جذب فناوری‌های خارجی به نحوی که بتواند از بنگاه‌های داخلی برای رشد فناورانه حمایت کند و مشارکت آکادمی علوم چین در انتشار فناوری در کشور از طریق تشویق همکاری میان محققین و صنعت در تجاری‌سازی نوآوری‌ها از اقدامات چین بوده است.

تأمین مالی توسعه فناوری برای بازیگران داخلی و خارجی در قالب گرنت‌های پژوهشی، وام‌های ترجیحی و اعطای مشوق‌هایی مانند مالیات کمتر برای هزینه‌های تحقیق و توسعه، استهلاک زودرس، معافیت مالیاتی موقت و یا دائم، اعتبار مالیاتی، معافیت گمرکی همچنین ایجاد زیرساخت مناسب برای تأمین مالی فناوری از طریق ابزارهای جدید مثل صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر، بازار فناوری، فرشتگان صنعت و غیره نیز به‌عنوان زیرساخت توسعه فناوری در کشور چین صورت پذیرفت.

همچنین تمرکز جغرافیایی و موضوعی برای شرکت‌های خارجی به‌منظور ایجاد خوشه‌های صنعتی و فناوری تخصصی و بهره‌گیری از آثار اقتصادی تجمیع‌پذیری برای توسعه توانمندی‌های فناورانه در چین ایجاد شده است. در این راستا این کشور ابزارهای تشویقی الزامی مختلفی برای جهت‌دهی به مناطق ویژه اقتصادی^۱ و مناطق توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی^۲ ارائه کرده است (1995, Zhao; 2006, 2004, Jolly).

سرمایه‌گذاری‌های خارجی در دهه ۷۰ فقط اجازه ورود به چهار منطقه آزاد تجاری در استان‌های جنوبی را داشتند و در دهه ۸۰ ایجاد مناطق آزاد در ۱۴ شهر ساحلی در ۱۰ استان نیز امکان‌پذیر شد. از سال ۱۹۹۹، زمانی که منطقه غربی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باز شد، جهش و خیز بزرگی

1. Special Economic Zones (SEZ)

2. Economic & Technological Development Zones (ETDZS)

برحسب مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌وجود آمد (Wanda & Harm, 2002). ایجاد تمرکز در یک منطقه محدود جغرافیایی و سعی در هدایت شرکت‌های خارجی به مکان‌ها و موضوعات خاص منجر به ایجاد تجمیع‌های اقتصادی^۱ و خوشه‌ها و شبکه‌های تخصصی می‌شود که از طریق به‌وجود آمدن صرفه‌های مقیاس و فراهم آوردن عوامل تولید رشد و توسعه را به‌همراه دارد (Marshall, 1920). صرفه‌های مقیاس ناشی از استفاده مشترک از اطلاعات، نیروی کار تجمیع‌شده، تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان تخصصی است.

همچنین با توجه به اینکه مناطق ویژه اقتصادی بیشتر منجر به جذب FDI با فناوری‌های سطح متوسط و پایین شد، دولت چین آغاز به توسعه پارک‌های علمی و فناوری نمود که پذیرای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. سرمایه‌گذاران خارجی از مشوق‌هایی برای ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های داخلی در حوزه‌های هایتک از جمله معافیت‌های مالیاتی و عوارض گمرکی برخوردارند. چین به حمایت از مالکیت‌های فکری در راستای افزایش توانمندی‌های فناورانه نیز پرداخته است. بزرگ‌ترین مشکل از منظر شرکت‌های چندملیتی برای انجام تحقیق و توسعه در کشورهای در حال توسعه امکان از دست دادن کنترل بر روی دستاوردهای تحقیقات یا همان ریسک دارایی‌های فکری است. به‌عنوان مثال، در کنار تمام جذابیت‌های چین، وجود سیستم ضعیف حمایت از مالکیت فکری باعث اختلال در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تحقیق و توسعه شده است.

نحوه حمایت حداکثری یا حداقلی از مالکیت‌های فکری (IPR) تأثیرات متفاوتی بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، انتقال فناوری به کشور مقصد و همین‌طور میزان جذب فناوری توسط شرکت‌های محلی تأثیر دارد. در این زمینه نوع فناوری که کشور مقصد به دنبال کسب آن است و همچنین تمایل و یا عدم تمایل به همکاری با شرکت خارجی عاملی تأثیرگذار است. در زیر به چند اصل کلیدی براساس مطالعه ادبیات موضوع و سابقه کشور چین در این زمینه می‌پردازیم.

تدوین و اجرای استانداردهای بالا در حمایت از دارایی‌های فکری اگرچه انگیزه‌های شرکت‌های خارجی را قوی‌تر می‌کند، اما حمایت زیاد از فناوری‌های خارجی به‌معنای افزایش هزینه انتقال بوده که با بضاعت اندک کشور چین در مراحل نخست توسعه همخوانی ندارد. این سیاست باعث افزایش قدرت انحصاری صاحبان فناوری می‌شود. همچنین با اعمال یک نظام حمایتی کارآمد طرف انتقال‌دهنده نیازی به حضور فیزیکی در کشور میزبان احساس نمی‌کند. چنین وضعیتی کاهش سرمایه‌گذاری و مشارکت در تحقیق و توسعه را در پی دارد. زیرا با رفع خطر شبیه‌سازی و نمونه‌برداری واگذارنده به سود سرشاری که از این راه به‌دست می‌آورد اکتفا می‌کند. در اینجا حمایت حداکثری محل تضعیف‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.



از طرف دیگر، حمایت نازل فرصت مهندسی معکوس نسخه‌برداری و شبیه‌سازی فناوری خارجی را به کشور چین داده بود و این راهی است که این کشور در مراحل اولیه توسعه پیموده است. اما از دیگر سو، نظام حمایت از مالکیت فکری انگیزه‌های تحقیق و توسعه را افزایش می‌دهد و هرچند عدم حمایت از مالکیت فکری دستیابی سطحی به فناوری را مقدور می‌سازد، ولی گذر از این لایه به سطح‌های عمیق‌تر حاصل نمی‌شود. واقعیات تجاری نشان می‌دهد شرکت‌های صاحب فناوری توانسته‌اند از فناوری‌های خود به‌خوبی محافظت کنند. برای دستیابی به سطوح بالاتر فناوری نیاز به مشارکت و در نظر گرفتن خواسته‌های صاحبان فناوری است.

تجربه چین در هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از بخش‌های مبتنی بر نیروی کار به بخش‌های خاص و فناوری‌های نو نیز قابل توجه است. سرمایه‌گذاری خارجی در چین نه تنها در صنعت، بلکه در بخش‌های کشاورزی، خدماتی و مستغلات نیز به کار گرفته شدند (Davies, 2010). تا قبل از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی صنعت کارخانه‌ای ۶۰ درصد سهم از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دارا بود که نیمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به صنایع کاربر (مانند منسوجات و پوشاک، صنایع غذایی و اثاثه منزل) اختصاص داشت. دلیل اصلی انگیزه بالای سرمایه‌گذاری خارجی برای به‌کارگیری سرمایه در بخش‌های کاربر را می‌توان به وجود نیروی کار ارزان در چین و تمایل سرمایه‌گذاران به استفاده از آنها به‌منظور کاهش هزینه نسبت داد (Wanda & Harm, 2002).

اما سیاستگذاران چینی با به‌کارگیری ابزارهای تشویقی به دنبال جذب طرح‌های مبتنی بر تکنولوژی و جذب سرمایه‌گذاری مبتنی بر صادرات بودند. در سال‌های گذشته سیاستگذاران چینی با طراحی مشوق‌ها و محدودیت‌ها سرمایه‌های خارجی را از صنایع کاربرمحور، مخرب محیط زیست و املاک و مستغلات دور کرده و به سمت راهاندازی پروژه‌های حفاظت از محیط زیست، مدرن‌سازی کشاورزی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، توسعه صنایع پایه‌ای، توسعه مرزهای دانش در صنایع تکنولوژی‌محور مانند الکترونیک، فناوری اطلاعات، مهندسی زیستی، مواد نو، هوافضا سوق داده‌اند. این امر از طریق توسعه مراکز تحقیق و توسعه، پارک‌های تکنولوژی‌های پیشرفته، تشویق شرکت‌های چندملیتی برای تأسیس مراکز تحقیقات و توسعه و شعبات منطقه‌ای در چین، به‌علاوه مدرنیزاسیون صنایع سنتی مانند ماشین‌آلات، نساجی و کالاهای مصرفی از طریق به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته صورت گرفته است.

در تحول دوم که از سال ۲۰۰۸ اعمال شده است، مشوق‌های مالیاتی با هدف کیفی و برای صناعی خاص که مبتنی بر صادرات و تکنولوژی پیشرفته هستند و همچنین ملاحظات زیست‌محیطی در آنها لحاظ شده است، در نظر گرفته می‌شوند. این سیاست تحت عنوان «سیاست مالیاتی صنعت‌محور»^۱ شناخته می‌شود.^۲

چینی‌ها از قراردادهای خارجی شامل وام‌های بین‌المللی، خریدهای کلان و سرمایه‌گذاری خارجی

و به صورت کلی بازار کشورشان به عنوان ابزار مؤثری در انتقال فناوری از خارج و جذب سرمایه‌گذاری هایتک استفاده کرده‌اند. به این معنا که در مقابل بازار و یا ارزش پروژه‌های بزرگ کشور میزبان، شرکت‌های چندملیتی را وادار به انتقال فناوری و یا بخش مهمی از زنجیره ارزش خود به داخل کشور کنند. شرکت‌های خارجی که از سرمایه‌گذاری تحقیقاتی و ایجاد شعبات تحقیق و توسعه سرباز زنند با شرایط سخت‌تری نسبت به سایر شرکت‌های خارجی می‌توانند در چین فعالیت تجاری داشته باشند. این شرایط بعضاً به بالا بودن تعرفه‌های گمرکی ورود محصولات آنان نیز منجر می‌گردد.

سیاست چین ایجاد رقابت میان شرکت‌ها برای ورود به بازار چین و از این طریق اجبار به پذیرش شروط انتقال فناوری بوده است. به عنوان مثال، در صنعت هواپیماسازی و قطار سریع تولیدکننده‌های خارجی به این کشور به عنوان یک هدف اصلی می‌نگرند. چین از این فرصت هوشمندانه استفاده کرده و در مدت کوتاهی از یک خریدار صرف به یک تأمین‌کننده اجزا و قطعات هواپیما و قطار سریع‌السیر و در آخر تولیدکننده این محصولات پیچیده تبدیل شده است. کشور چین با اهرم قرار دادن بازار و ایجاد رقابت میان شرکت‌های خارجی امتیازات فناورانه زیادی از قبیل برقراری فعالیت‌های تحقیقاتی با دانشگاه‌ها، استخدام نیروی کار و سرمایه‌گذاری مشترک کسب کرده است.

درواقع اولین ویژگی سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی چین، همسویی آن با پیشرفت فرایند صنعتی شدن در کشور است. به طوری که این سیستم از طریق داخلی‌سازی از اصل جایگزینی واردات با سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند و براساس آن بخش زیادی از تکنولوژی‌های بنگاه‌های خارجی را به بنگاه‌های چین انتقال می‌دهد. این رویکرد توصیه می‌کند که بنگاه‌های خارجی باید هنگام تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور چین به ظرفیت محلی توجه داشته باشند. چین از الزامات عملکردی تا قبل از ۲۰۰۱ به عنوان ابزاری برای افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده می‌کرد. اما با پیوستن به سازمان تجارت جهانی و منع این سازمان چنین الزاماتی کاهش یافت.

یکی دیگر از درس‌آموخته‌های چین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم با هدف صادرات بوده است. برخلاف سیاست الزامات عملکردی استراتژی تشویق صادرات، استراتژی پیش‌فعالی^۱ بود. بر این اساس، برای سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بر صادرات، امتیازهایی به صورت نرخ مالیات پایین یا معافیت از مالیات تجاری و صنعتی در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران مذکور می‌توانند از منافعمانند تسهیلات تجاری و ارزی به واسطه فرایند صادرات از مناطق ویژه اقتصادی و معافیت از حقوق گمرکی انبار کالا برخوردار شوند. از نکات جالب توجه این سیاست آن است که بزرگ‌ترین بازار جهان به دنبال سیاست جایگزینی واردات نبوده و استراتژی توسعه فناوری خود را با رویکرد صادراتی تنظیم می‌کند. برای رسیدن به این هدف، دولت چین سعی در ایجاد و تقویت شبکه‌های تولیدی در جهت سازمان‌دهی توانایی‌های صادراتی خود به خصوص در صنایع هدف نمود.



۵-۲. بهره‌گیری چین از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده آمریکا و اروپا به‌عنوان ابزار انتقال فناوری‌های پیشرفته

سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای در حال توسعه و در حال گذار در کشورهای توسعه‌یافته پدیده نوظهوری است که به‌ویژه در سال‌های اخیر توسط چینی‌ها صورت گرفته و موجب نگرانی‌هایی در کشورهای پیشرفته شده است. همچنین رفتار متفاوت چینی‌ها در سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه نیز ابعاد دیگری از نگرانی‌های این کشورها را نمایان می‌کند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

صندوق سرمایه‌گذاری دانهوا^۱ که با سرمایه‌گذاری یک شرکت دولتی وابسته به شهرداری پایتخت چین تأسیس شده است، اخیراً در برخی از استارت‌آپ‌های آینده‌دار سیلیکان ولی^۲ از جمله فعالان حوزه پهپاد، هوش مصنوعی و امنیت سایبری سرمایه‌گذاری کرده است. حساسیت سیاستمداران آمریکایی به این موضوع، با گزارش «راهبرد انتقال فناوری چین»^۳ و توسط «واحد نوآوری دفاعی آمریکا»^۴ در سال ۲۰۱۸ برانگیخته شده است؛ که هشدار داده است سرمایه‌گذاران خطرپذیر چینی در مسیر دسترسی به «جواهرات تاج پادشاهی» نوآوری آمریکا هستند. در این راستا کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۸ قانونی را با عنوان «قانون مدرن‌سازی مطالعه مخاطره سرمایه‌گذاری خارجی»^۵ تصویب کرده است که قدرت دولت برای ممانعت از سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت‌های آمریکایی (از جمله سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌ها) را به‌طور چشمگیری بهبود دهد. این قانون به اصلاح کلی (و نه جزئی) یک نهاد دولتی مربوطه با عنوان «کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا»^۶ می‌پردازد، تا این کمیته تعیین کند چه شکلی از قراردادهای باید بازرسی بشوند، تا بشود برخی آستانه‌های مالکیت را با محوریت فناوری‌های «کلیدی» حذف کرد.

نسخه اخیر این لایحه دربردارنده معافیت‌هایی برای سرمایه‌گذاران منفعل است؛ که مجموعه‌ای از شرکای محدود صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر را دربرمی‌گیرد. با این حال امکان دارد آن دسته از شریکانی که توان مداخله در کسب‌وکار را داشته باشند، یا بنگاه‌هایی که شریک مدیریتی آنها فرد خارجی باشد، در معرض رسیدگی دقیق قرار بگیرند. در این مورد، برخی بنگاه‌های کوچک با درخواست اطلاعات یا پیشنهاد گشایش دفاتر تجاری در چین روبه‌رو شده‌اند. تا پیش از این، تفحص درباره هویت سرمایه‌گذار در سیلیکان ولی سابقه نداشته است. در حالی که دولت آمریکا در عموم حوزه‌ها کمک می‌کند که از مخاطرات شرکت‌های نوپا کاسته شود، در این یک مورد رویه‌ای معکوس را برگزیده است.

1. Danhua Capital

2. Silicon Valley

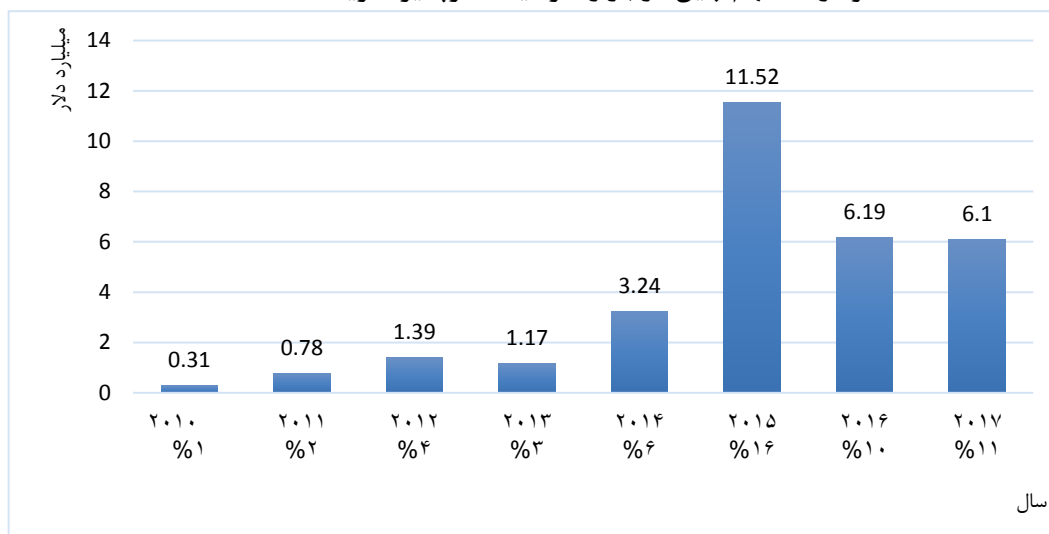
3. [https://admin.govexec.com/media/diux_chinatechnologytransferstudy_jan_2018_\(1\).pdf](https://admin.govexec.com/media/diux_chinatechnologytransferstudy_jan_2018_(1).pdf)

4. Defense Innovation Unit Experimental (DIUx)

5. Foreign Investment Risk Review Modernization Act (FIRRMA)

6. Committee on Foreign Investment in the United States (CFIUS)

نمودار ۹. سهم چین در بازار سرمایه خطرپذیر آمریکا ۲۰۱۰-۲۰۱۷



Defense Innovation Unit Experimental (DIUx), 2018 China's Technology Transfer Strategy: How Chinese Investments in Emerging Technology Enable A Strategic Competitor to Access the Crown Jewels of U.S. Innovation, P6.

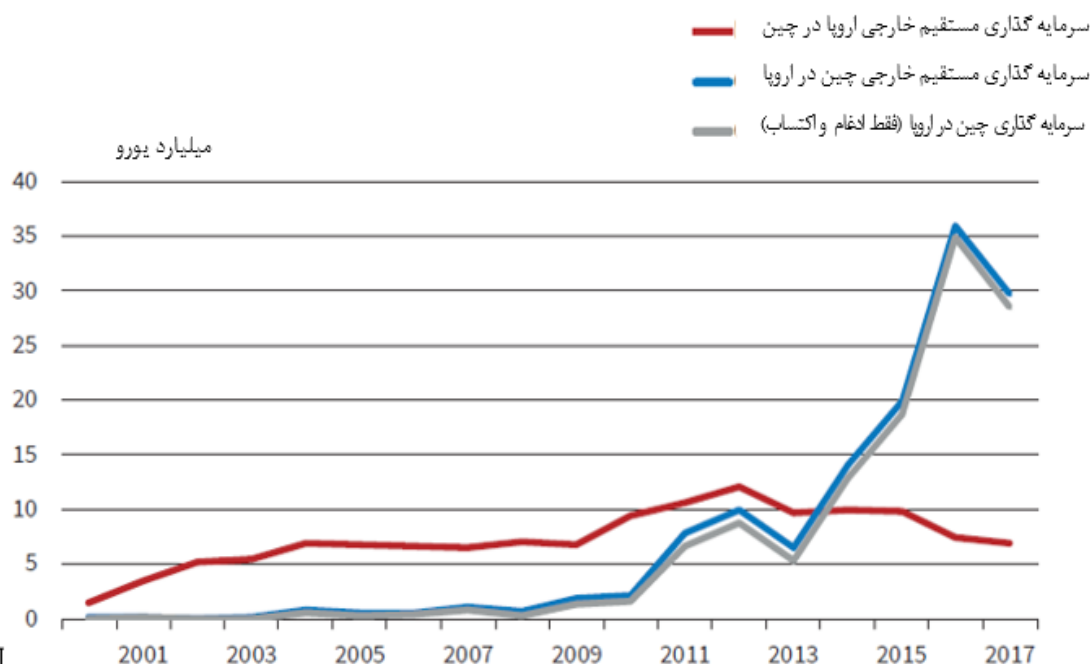
در این مطالعه، غیر از اکتساب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در آنها، هشت منبع و روش اصلی انتقال فناوری چین به شرح زیر بیان شده‌اند:

۱. جاسوسی صنعتی
 ۲. دزدی سایبری
 ۳. تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا
 ۴. استفاده از منابع آشکار برای رهگیری نوآوری خارجی
 ۵. سازمان‌های انتقال فناوری چین پایه
 ۶. مراکز پژوهشی چین در آمریکا برای دسترسی به مهارت و دانش
 ۷. مؤسسات علم و فناوری مستقر در آمریکا که از سوی دولت چین حمایت شده‌اند
 ۸. بهره‌گیری از تخصص نهادهای خصوصی، صندوق‌های خطرپذیر، بانک‌ها و مؤسسات حقوقی برای تنظیم قراردادهای قابل پذیرش از سوی کمیته نظارت
- FDI چین در اروپا از سال ۲۰۱۰ و به‌ویژه در سال ۲۰۱۳ به‌شدت افزایش یافته است (نمودار ۸). بیش از ۹۵ درصد FDI چین در اروپا به روش ادغام و اکتساب بوده است. از نظر توزیع جغرافیایی، FDI چینی در اروپا در مناطق به‌لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته‌تر به‌ویژه در فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس و از لحاظ تفکیک بخشی، در بخش‌های حمل‌ونقل و زیرساخت، ICT و ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی پیشرفته متمرکز شده است. بخش‌های کلیدی منتخب برای سرمایه‌گذاری در اروپا، به‌طور گسترده هم‌راستا با اولویت‌های سیاست صنعتی فعلی چین هستند.^۱

1. CESifo Forum (2018), Chinese Direct Investment in Europe – Challenges for EU FDI Policy, P15.



نمودار ۱۰. سرمایه‌گذاری خارجی چینی در اروپا، سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۷



Source: CESifo Forum (2018), P16.

در مقایسه با جریان فزاینده FDI چین در اروپا، FDI اروپا در چین با شیب ملایم افزایش یافته و حتی بعد از سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است. دلیل آن فشار محدودیت‌های متعدد برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در چین است. درحقیقت براساس شاخص OECD با عنوان محدودیت مقررات FDI، چین یکی از محدودترین اقتصادها در مقابل FDI ورودی است.

FDI چین به‌طور فزاینده‌ای نگرانی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیت ملی را در میان سیاستگذاران اروپایی افزایش داده است. این نگرانی‌ها از ویژگی‌های FDI چین ناشی می‌شود که شامل رشد سریع و نوظهور FDI چین، تمرکز FDI چینی‌ها در بخش‌های حساس و به‌لحاظ استراتژیک مهم و سهم کم روش سرمایه‌گذاری اولیه می‌شود در حالی که این روش غالباً سودمندتر و به‌لحاظ سیاسی آسان‌تر از روش ادغام و اکتساب به‌نظر می‌رسد.

اولین نگرانی اقتصادی این است که FDI چین در اروپا منجر به انتقال یک‌سویه فناوری مدرن و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با آن از اروپا به چین شود. چین هنوز یک اقتصاد در حال گذار با وقفه بسیار با اروپا در بسیاری از جنبه‌های تکنولوژی و تخصص‌های کسب‌وکار است. اینکه چین دومین اقتصاد دنیاست که به‌لحاظ تکنولوژیک هنوز فاصله زیادی با اتحادیه اروپا دارد. هم‌زمان چین سیاست‌های صنعتی را دنبال می‌کند که به‌شدت فرایند رسیدن تکنولوژیکی از طریق خروج FDI را تشویق می‌کند. نگرانی درخصوص رسیدن به موقعیتی وجود دارد که رهنمودهای سیاست صنعتی منطق تبادل را مغلوب کند؛ زمانی که شرکت‌های اروپایی اکتساب شده توسط چینی‌ها آخرین تکنولوژی‌ها را توسعه دهند و

فعالیت‌های R&D را تعیین کنند. در نتیجه بنگاه‌های اروپایی منافع سرریز فناوری را به دست نمی‌آورند و در بلندمدت اروپا در مرز تکنولوژی بودن و رقابت‌پذیری اقتصادی در چین را از دست می‌دهد.

نگرانی اقتصادی دیگر این است که FDI نامحدود چینی در اروپا وضعیت مزیت‌های رقابتی ناعادلانه را بدتر کند؛ مزیت‌هایی که به‌طور سیاستی و از طریق اعطای سوبسید به شرکت‌های چینی سوبسید حمایت می‌شود. چین هنوز در بسیاری بخش‌های اقتصادی و در بسیاری از شرکت‌های چینی برای ورود FDI محدودیت دارد. نگرانی‌های سیاسی FDI چینی، ترس از این است که چین بتواند از تعهداتش برای افزایش قدرت یا تهدید استفاده کند و برای بازپس‌گیری FDI، به دولت‌های میزبان برای عمل کردن به ایده‌های چین در تحولات سیاسی (مثل حقوق بشر در چین) فشار آورد.

نگرانی امنیت ملی درباره انواع خاص FDI ورودی جدید نیست و به FDI از چین محدود نشده است. به‌طور کلی تهدیدهای بالقوه امنیت ملی ناشی از مالکیت خارجی در سه دسته قرار می‌گیرند:

۱. انتقال تکنولوژی‌های حساس (به‌ویژه در حوزه نظامی)
 ۲. قطع یا دستکاری دسترسی به تولیدات و تأسیسات حساسی که در کنترل عرضه‌کننده خارجی است.
 ۳. نفوذ، پایش یا خرابکاری در سیستم‌های تولیدی مهم برای عملکرد اقتصاد (مثل زیرساخت‌های حساس و کلیدی در انرژی، حمل‌ونقل، ارتباطات و شبکه‌های سایبری)
- برای ملاحظات امنیتی در خصوص FDI از چین چندین دلیل وجود دارد. چین برخلاف اکثر کشورهای که حجم بزرگی از FDI را به اروپا وارد می‌کنند یکی از اعضای اتحادیه اروپا نیست. قدرت نظامی چین، سابقه دزدی سایبری و جاسوسی صنعتی نیز باعث تشدید نگرانی‌ها می‌شود. لذا اتحادیه اروپا در حال طراحی مکانیسم غربالگری FDI برای اروپا و تنظیم مذاکرات و توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری چین و اروپاست.
- همچنین در مقاله‌ای با عنوان «FDI چین در آمریکای لاتین: آیا مالکیت مهم است؟»^۱ به نگرانی آمریکای لاتین در خصوص منبع محور بودن سرمایه‌گذاری چینی در این کشورها پرداخته شده است. شواهد و بحث‌های مقاله مذکور نشان‌دهنده رفتار و سیاست متفاوت چینی‌ها در برخورد با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه در زمینه استفاده از FDI است. طبق آمار ارائه شده در مقاله در سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۰ ویژگی‌های اصلی FDI چین در کشورهای آمریکای لاتین بدین شرح است: ۷۸/۵ درصد FDI در مواد خام و انرژی، ۱۱/۳ با هدف دسترسی به بازار، کمتر از ۲ درصد در صنعت و موارد تکنولوژی‌محور، همچنین ۸۶/۹ درصد FDI توسط بنگاه‌ها با مالکیت دولتی و ۱۳/۱ توسط شرکت‌های خصوصی چینی صورت گرفته است. درواقع چین از سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به دنبال استفاده حداکثری از منابع و ذخایر طبیعی و در کشورهای توسعه‌یافته به دنبال دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته و به‌روز است.

1. Enrique Dussel Peters, (2012) Chinese FDI in Latin America: Does Ownership Matter? Working Group on Development And Environment in the Americas, P12.



۳-۵. مقایسه و جمع‌بندی تجربه کشورها

در این بخش تجربه برخی کشورهای آسیای شرقی در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مرور گردید. تنوع و تشابهاتی در سیاست‌های به‌کار گرفته شده توسط این کشورها به چشم می‌خورد که تحلیل و مقایسه آنها می‌تواند درس‌های مهمی برای سایر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران داشته باشد که در ادامه اشاره می‌شود.

• تمامی کشورهای مورد بررسی شامل چین، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور و هنگ‌کنگ به FDI به‌عنوان ابزار توسعه و به‌ویژه انتقال فناوری از خارج نگرسته‌اند.

در میان تمامی کارکردهای FDI که در بخش‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت، کشورهای مورد بررسی در گزارش، کارکرد انتقال فناوری از خارج را محور قرار داده و از آثار سرریز فناوری برای تقویت توان تولیدی و فنی کشور در جهت رشد و توسعه استفاده کرده‌اند. طبق مطالعه‌ای در کشورهای چین، هند، تایوان، هنگ‌کنگ، مالزی، سنگاپور و تایلند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمده‌ترین روش انتقال فناوری، مهارت‌های فنی و مدیریت بوده است (Hsiao & Hsiao, 2006). با نگاهی به این کشورها می‌توان دریافت که بخش عظیمی از تولید و بهره‌برداری از فناوری‌های پیشرفته در این کشورها توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود. محوریت انتقال فناوری از طریق FDI در خروج سرمایه از چین و سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های آمریکایی نیز مشاهده می‌شود.

• FDI تنها کانال انتقال فناوری از خارج نیست.

کره جنوبی از سایر روش‌های انتقال فناوری از جمله مهندسی معکوس، خرید لیسانس، استخدام مشاور و متخصص خارجی و غیره در کنار تقویت ظرفیت‌های داخلی بهره برده است. FDI بسیار محدود و گزینشی و در مواردی که تنها راه دستیابی به فناوری بوده استفاده شده و اتکای اصلی دولت کره در رشد صنایع با فناوری پیشرفته بر ایجاد و تقویت ظرفیت‌های داخلی تحقیق و توسعه بوده است.

درواقع اکثر کشورهای در حال صنعتی شدن آسیا تلاش کرده‌اند تا دسترسی خود به فناوری خارجی را از طریق کمک به برخورداری شرکت‌های داخلی از اطلاعات مربوط به فناوری‌های خارجی بهبود بخشند و مناسبات و روابط انتقال فناوری را اصلاح کنند؛ هرچند کشورهای مختلف رویکردهای استراتژیک بسیار متفاوتی در زمینه توسعه درون‌زای فناوری و واردات درونی شده^۱ در مقابل واردات بیرونی شده،^۲ داشته‌اند (لل، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶).

1. Internadized Imports

2. Externalized Imports

• انتقال فناوری از طریق FDI فرایند خودکار نیست، بلکه نیازمند ایجاد ظرفیت و قابلیت جذب فناوری است.

نکته قابل توجهی که لای تأکید می‌کند آن است که با وجود آنکه سرمایه‌گذاران به تازه‌ترین فناوری‌ها دسترسی دارند، ولی فقط فناوری‌هایی منتقل می‌شود که کشور میزبان با توجه به مهارت‌ها، قابلیت‌ها و زیرساخت‌های خود توان جذب آنها را داشته باشد. اگر اتفاق مهم دیگری رخ نداده باشد، کشوری با قابلیت‌های داخلی ضعیف تنها به جذب فناوری‌های ساده قادر خواهد بود. از آنجا که سرمایه‌گذار تنها به دنبال اطمینان از دستیابی به کارایی است، نوسازی بیشتر ساختار صنعتی پس از انجام سرمایه‌گذاری، به میزان تلاشی بستگی دارد که کشور میزبان برای ایجاد مهارت‌ها، تأمین‌کنندگان و غیره از خود نشان می‌دهد. سرمایه‌گذار خارجی توان آماده‌سازی موارد لازم برای پشتیبانی از توسعه قابلیت‌ها را ندارد. تمام آنچه وی می‌تواند اجرا کند، ساختن جزایری از کارایی ایستاست. برای تلاش در توسعه قابلیت داخلی هیچ جایگزینی نیست و انتقال فناوری نمی‌تواند فرایندی منفعل براساس باز کردن ورودی‌ها به روی سرمایه‌گذاران خارجی باشد (لل، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳).

سرمایه‌گذاری خارجی ابزاری برای انتقال نتایج نوآوری است نه لزوماً قابلیت‌های نوآوری. صرفه‌های ناشی از مقیاس و دسترسی به مهارت‌ها و زیرساخت‌های علم و فناوری پیشرفته، سبب شده شرکت‌های چندملیتی، امور نوآوری خود را در چند کشور محدود پیشرفته، متمرکز کنند. تحقیق و توسعه‌ای که به‌سمت کشورهای در حال توسعه هدایت شده است، از لحاظ کمیت کوچک است و فقط سازگار کردن محصولات و مواد خام را شامل می‌شود و به‌ندرت بخش مهمی از فرایند نوآوری در صنعت مربوط را دربرمی‌گیرد. اکثر تحقیق و توسعه شرکت‌های فراملیتی به دنبال تطبیق‌سازی محصولات با بازارهای داخلی هستند که نشان‌دهنده این است که نوآوری داخلی شرکت‌های چندملیتی در مقایسه با بنگاه‌های داخلی نسبتاً بی‌اهمیت است (همان، ص ۱۴۳ و ۱۸۰).

همچنین آلیس آمسدن در مطالعات خود در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای آسیای شرقی درخصوص لزوم ایجاد قابلیت‌های فناورانه در کشورهای در حال توسعه برای جذب فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی هشدار می‌دهد: «چندملیتی‌ها اکثر کارهای ارزش آفرین همچون تحقیق و توسعه را در خانه (کشور) خود نگه می‌دارند. این کارها هیچ‌گاه به طور کامل، حتی به بزرگ‌ترین بازارها و ذخایر سرشار از نیروی کار همچون چین و هند علی‌رغم امکانات تحقیق و توسعه در کشورهای مزبور انتقال پیدا نمی‌کنند (از قبیل آزمایشگاه جنرال الکتریک در بنگلور هند). تحقیق و توسعه بنگاه‌های دارای مالکیت خارجی در دنیای در حال توسعه، به سختی به سطح پژوهش کاربردی می‌رسد و وارد پژوهش پایه نمی‌شود (آمسدن، چانگ و همکاران، ۲۰۰۱). فرضیه مناسب این است که بنگاه‌های دارای مالکیت خارجی فقط عهده‌دار سطح ابتدایی تحقیق و توسعه در اغلب بخش‌های دنیای در حال توسعه می‌شوند. نظر به اینکه مهارت‌ها، بالا می‌روند، دفاتر



مرکزی ممکن است مهندسان محلی را دعوت کنند تا در سطوح ارشد پروژه (تحقیق و توسعه) مشارکت نمایند. اما فقط در بخش‌های کوچکی از آن اتفاق می‌افتد» (آمسدن، ۲۰۰۹، ص ۱۷۴).

بنگاه‌های دارای مالکیت خارجی که در دنیای در حال توسعه در بازار سهام سرمایه‌گذاری می‌کنند، به‌صورت موجود مثله‌اند؛ آنها از شکل و فرم خود خارج می‌شوند، زیرا لایه ارشد مدیریت (مشمول بر مدیران دانشی و مهندسی) همواره در دفاتر مرکزی مستقرند. چنانچه تمامی صنعت در اختیار شرکت‌های دارای مالکیت خارجی باشد، یک کشور در حال توسعه هرگز صاحب مهارت‌های عالی و مشاغل برخوردار از دستمزدهای بالا (همچون مدیران عامل، مدیران ارشد مال، مدیر منطقه‌ای و دانشمندان ارشد) نمی‌شود. کشور در حال توسعه آنقدر پیشرفته نمی‌شود که رانت‌های کارآفرینانه خلق کند آن‌گونه که فناوری ضمنی و نام‌های تجاری مقارن آن کسب می‌کنند. دنیای در حال توسعه حتی فرازمغزها (بهترین استعدادها) را تجربه می‌کند و آنان برای به‌دست آوردن مشاغل پُردستمزد دست به مهاجرت می‌زنند. اینها برخی از هزینه - فرصت‌هایی هستند که بنگاه‌های دارای مالکیت خارجی، بنگاه‌های خصوصی (داخلی) را در صنایع انحصاری به زیر می‌کشند (همان، ص ۱۷۴).

از نظر آمسدن غیرقابل تصور است که بیندیشیم یک چندملیتی معظم می‌تواند هر بخشی از تحقیق و توسعه خود را به خارج از دفاتر مرکزی‌اش انتقال دهد. طبق چرخه عمر محصول ورنون (ورنون، ۱۹۹۶)، پروژه‌های غیر روتین را بایستی در خانه نگه داشت تا پیش چشم مدیریت ارشد^۱ و تحت کنترل آن صورت پذیرد. درحقیقت، تنها بخشی از فعالیت‌ها به فراسوی مرزها و اغلب به کشورهای در حال توسعه فرستاده شده‌اند تا از مزیت هزینه‌های ارزان نیروی کار بهره گیرند. اکنون مردم به مرکز تحقیق و توسعه جنرال الکتریک در بنگلور به دیده‌ای می‌نگرند که گویا به هیبت برج ایفل نظر می‌کنند. اما در نظر نخست، تحقیق و توسعه انجام شده توسط چندملیتی‌ها در فراسوی مرزها (کشور مهمان) کوچک و از نظر پیچیدگی ساده به‌شمار می‌رود. مطالعه صورت گرفته توسط OECD درباره درونی‌سازی فعالیت‌های تحقیق و توسعه کشورهای عضو چنین اشاره می‌کند؛ به‌طور متوسط (میان کشورها)، کشورهای OECD تنها ۱۲ درصد از تحقیق و توسعه خود را در کشور دیگری به انجام رسانده‌اند. این شاخص در انتهای دهه ۱۹۹۰ میلادی، اگرچه برای برخی از کشورهای اروپایی بیشتر بوده، ولی برای آمریکا ۱۰ درصد و برای ژاپن ۲ درصد بوده است (OECD، ۱۹۹۸؛ پاتل و وگا، ۱۹۹۹). در کره و تایوان، سهم فعالیت‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌های دارای مالکیت خارجی در کشور کمتر از ۲ درصد و به‌وضوح پایین‌تر از سهمی بود که در تولید داشتند. سرمایه‌گذاران خارجی، آخرین مراحل پیشرفته پژوهش را بیرون آزمایشگاه‌های شرکت خود به‌انجام نمی‌رسانند. چنانچه شرکت‌های دارای مالکیت ملی می‌خواهند در محصولات برتر پیشرو باشند؛ رانت‌های کارآفرینانه کسب کنند و در زمینه مهندسی، دانش فنی انباشته سازند، همانند سایرین بایستی در تحقیق و توسعه خود سرمایه‌گذاری کنند (همان، ص ۱۸۲ و ۱۸۳).

• در کشورهای چین، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی دولت همواره در فرایند جذب FDI مداخله کرده و سیاست‌گزینشی را اتخاذ کرده است. ملاحظات جذب FDI در این کشورها در چارچوب سیاست صنعتی و با توجه به سطح توسعه‌یافتگی کشور بوده است.

ل در یک بررسی تحلیلی میان کشور هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی و کره، استراتژی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آنها را این‌گونه معرفی می‌کند: در هنگ‌کنگ اتکا به نیروهای رقابتی بازار؛ در سنگاپور هدف‌گیری تهاجمی و سوق دادن شرکت‌های چندملیتی به سمت فعالیت‌های با ارزش‌افزوده بیشتر؛ در مالزی تقلید از الگوی سنگاپور بدون توجه کافی به ارتقای نیروی انسانی؛ در کره FDI فقط برای شرایطی که سایر روش‌های انتقال فناوری امکان استفاده ندارند. همان‌گونه که در مرور تجربه چین نیز ملاحظه شد، دولت این کشور الزامات، قوانین و مشوق‌های دقیقی برای هدایت FDI داشته است.

بررسی‌های آنکتاد نشان می‌دهد در یک دهه گذشته بیش از ۱۰۱ اقتصاد مختلف دارنده حدود ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی دنیا، استراتژی‌های رسمی توسعه صنعتی در پیش گرفته‌اند. اکثر این برنامه‌ها حاوی ابزارهای سیاستی تفصیلی در حوزه سرمایه‌گذاری هستند؛ مانند مشوق‌ها و الزامات عملکردی، مناطق ویژه اقتصادی، جذب و تسهیل سرمایه‌گذاری و به‌طور فزاینده‌ای مکانیسم‌های پایش سرمایه‌گذاری. لذا سیاست‌های سرمایه‌گذاری و به‌طور خاص FDI در قلب سیاست‌های صنعتی کشورها جای دارد. علاوه بر اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست‌های تسهیل سرمایه‌گذاری را به‌عنوان سیاست‌های افقی اجرا می‌کنند، دوسوم آژانس‌های تشویق سرمایه‌گذاری در این کشورها، براساس سیاست‌های صنعتی کشورشان حوزه‌های معینی را برای تشویق سرمایه‌گذاری هدف‌گیری می‌کنند و سه‌چهارم آنها برنامه‌های ویژه‌ای برای ارتقای سطح فناوری در صنعت به‌عهده دارند. لزوم ارتقای انسجام و هم‌افزایی سیاست‌های سرمایه‌گذاری و سیاست‌های صنعتی، مستلزم توجه راهبردی و بلندمدت به برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری از جمله FDI است. (صارمی، ۱۳۹۸، ص ۳۹۷)

انتخاب درخصوص استفاده از FDI به سطح توسعه‌یافتگی کشورها نیز بستگی دارد. ذکر این نکته ضروری است که کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته فرصت رشد بیشتری دارند، زیرا هم می‌توانند با الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته و اکتساب فناوری‌های موجود فاصله خود را به کشورهای توسعه‌یافته نزدیک کنند (نوآوری‌های محلی) و هم مانند کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند از نوآوری‌های جهانی بهره‌مند گردند.

همچنین توجه به نرخ تغییرات فناوری صنعت ضروری است. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که توسعه اصلی و همپایی بخشی زمانی اتفاق افتاده که کشورها روی بخش‌هایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که چرخه عمر فناوری‌شان کوتاه است؛ بخش‌هایی که نرخ تغییرات فناوری در آنها زیاد بوده و بنابراین کشورهای پیشرفته در این بخش‌ها مزیت خاصی نسبت به سایر کشورها ندارند. (Malerba & Orsenigo, 1997)

بر این اساس می‌توان استدلال کرد که مدل پیروی مسیر در صنایعی محقق می‌شود که چرخه عمر



فناوری بلندتر است. در این حوزه، OEM، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا مونتاژ مستقیم کالاهای خارجی به‌عنوان یک ابزار اصلی برای ایجاد زیرساخت، تأمین مالی و نیز افزایش بهره‌وری استفاده می‌شود. در صورتی که این مسیر به‌خوبی طی گردد، در انتها بعد از دستیابی به توانمندی تعمیر و نگهداری بنگاه‌ها به درجه اولیه‌ای از تحقیق و توسعه داخلی در این صنایع و همچنین توانمندی طراحی دست پیدا می‌کنند که این سه توانمندی نقش بسیار کلیدی در موفق شدن آنها و حرکت به مراحل بالاتر پیشرفت خواهد داشت.

از سوی دیگر، در بخش‌هایی که چرخه عمر فناوری کوتاه بوده و بنابراین امکان پیگیری مدل جهش فراهم است باید از طریق حمایت از صنایع نابالغ و تحقیق و توسعه و شکل‌دهی کنسرسیوم‌های تحقیقاتی به بالا رفتن ظرفیت‌های تکنولوژیک، به‌خصوص در تکنولوژی‌های جدید کمک شود. سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی در این زمینه باید به‌سمت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در تحقیق و توسعه و فناوری‌های جدید باشد.

• **تکیه بر گسترش دانش بومی و سرمایه‌گذاری دولت در تحقیق و توسعه داخلی در مقایسه با تلاش برای جذب FDI، می‌تواند به سطح بالاتری از رقابت‌پذیری جهانی و صنعتی شدن پایدار منجر شود.**

ل به بررسی تأثیر دو متغیر FDI جذب شده و سرمایه‌گذاری کشورها در تحقیق و توسعه در رقابت‌پذیری صادراتی آنها (با تأکید بر صادرات محصولات پیشرفته) می‌پردازد تا نشان دهد چگونه کره موفق شده با جذب نسبتاً کم FDI ولی با سطح بالاتری از سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه الگوی متفاوتی از رقابت‌پذیری و توسعه را به نمایش بگذارد. در الگوی این کشور، در دوره اولیه رشد برخوردهای محدودکننده و گزینشی با FDI صورت گرفته و درعوض تشویق واردات فناوری از سایر روش‌ها توسط شرکت‌های بومی و تشویق آنها به صادرات بسیار برجسته به‌نظر می‌رسد.

در کره جنوبی برخلاف هنگ‌کنگ جهت‌گیری به‌سمت گسترش صنعتی پایدار است. روش کره‌ای پیشنهاد می‌کند که توسعه دانش بومی، مزایای دائمی فراوانی دارد و علاوه بر کاهش چشمگیر هزینه انتقال فناوری، به صادرات محصولات صنعتی پیشرفته تنوع می‌بخشد. البته کره هم‌زمان با واردات فناوری‌های پیشرفته، صنایع داخلی را به‌سمت توسعه مهارت‌ها و دانش فنی سوق می‌دهد. این سیاست بسیار پیشرفته‌تر از حالتی است که فناوری را مانند جعبه‌ای سیاه وارد می‌کند و سعی در استفاده از آن دارد. (ل، ص ۱۵۷ و ۱۵۸)

• **آزادسازی ورود سرمایه خارجی در چین و کره جنوبی برخلاف هنگ‌کنگ، یک فرایند تدریجی و بلندمدت بوده است.**

مرور تجربیات کشورهای چین و کره جنوبی نشان می‌دهد آزادسازی ورود سرمایه خارجی با ملاحظات بسیار و در یک فرایند تدریجی با توجه به سطح توسعه‌یافتگی کشور صورت گرفته است؛ به نحوی که

در مراحل ابتدایی توسعه با FDI بسیار سختگیرانه و گزینشی برخورد شده و قوانین و سیاست‌ها به تدریج برای ورود آزادانه‌تر FDI تعدیل و اصلاح شده‌اند.

• در کشورهای چین و کره جنوبی ورود سرمایه‌گذاری خارجی مشروط به انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی کشور بوده است. این راهبرد برخلاف مفاد توافقنامه TRIMS^۱ است. در زمینه مهندسی فرایند و کارخانه، دولت کره شرط کرده بود که پیمانکاران خارجی باید دانش طراحی خود را به بنگاه‌های داخلی منتقل کنند و در نتیجه بنگاه‌های داخلی به سرعت فناوری‌های طراحی در برخی صنایع فرایند را جذب کردند. کره حتی در استفاده از فناوری وارد شده برای توسعه پایه داخلی قابلیت‌های خود در فعالیت‌های پیشرفته منفعلانه به جریان ورودی مهارت‌ها و نوآوری‌های خارجی وابسته باقی نماند. چین نیز خارجی‌ها را مجبور به انتقال فعالیت‌های ارزش‌افزوده به داخل چین از طریق الزامات واردات یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توافقنامه‌های مختلف نمود و سیاست چین ایجاد رقابت میان شرکت‌ها برای ورود به بازار چین و از این طریق اجبار به پذیرش شروط انتقال فناوری بوده است.

• سرمایه‌گذاری خارجی چین در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی با هدف دستیابی به تکنولوژی و در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کشورهای آمریکای لاتین با هدف دستیابی به منابع طبیعی و انرژی بوده است.

کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۸ قانونی را با عنوان «قانون مدرن‌سازی مطالعه مخاطره سرمایه‌گذاری خارجی» تصویب کرده است که برای دولت امکان ممانعت از سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت‌های آمریکایی (از جمله سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌ها) را فراهم آورد و اتحادیه اروپا نیز درصدد ایجاد مکانیسم غربالگری سرمایه‌گذاری خارجی در مواجهه با تهدیدات سرمایه‌گذاری با منشأ چین است. همچنین آمارها در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ بدین شرح است: ۷۸/۵ درصد FDI چین در کشورهای آمریکای لاتین در مواد خام و انرژی، ۱۱/۳ با هدف دسترسی به بازار و کمتر از ۲ درصد در صنعت و موارد تکنولوژی‌محور بوده است.

• سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منشأ تهدیدات بالقوه سیاسی و امنیت ملی برای کشور میزبان باشد.

ملاحظات سیاسی و امنیت ملی نیز در آمریکا و اروپا درخصوص تصمیم‌گیری برای ورود سرمایه چینی مورد توجه بوده است.

• کشورهای پیشرفته و دارای اقتصاد آزاد (ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا) نیز در مواجهه با مخاطرات سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین و سیاست‌هایی با هدف غربالگری و گزینش اتخاذ کرده‌اند.

1. Agreement on Trade-Related Investment Measures

این توافقنامه مصوب ۱۹۹۴ و یکی از چهار توافقنامه اصلی سازمان تجارت جهانی است. در این توافقنامه قوانین در جهت منع مقررات داخلی کشورها به‌عنوان بخشی از سیاست صنعتی کشور میزبان برای سرمایه‌گذاران خارجی از جمله الزامات انتقال فناوری آمده است.

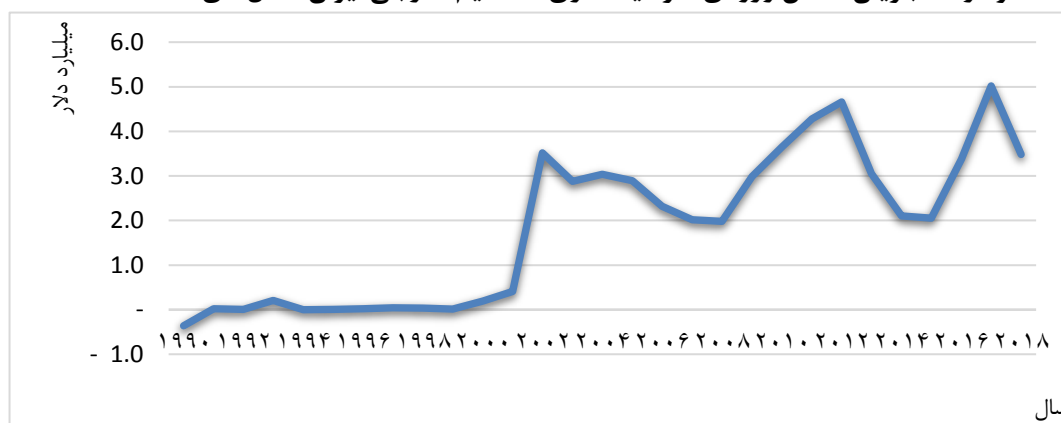


• علاوه بر جریان ورودی FDI، جریان خروجی نیز می تواند کانال انتقال فناوری از خارج باشد. محوریت انتقال فناوری در سرمایه گذاری خارجی درخصوص عملکرد چین در سرمایه گذاری در کشورهای پیشرفته مشهود است.

۶. تحلیل و بررسی وضعیت جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران

مقدار و میزان ورود سرمایه خارجی به ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا اندک است، به گونه ای که طبق گزارش آنکتاد سهم جمهوری اسلامی ایران از جذب سرمایه خارجی ورودی در سال ۲۰۱۸، تنها در حدود ۰/۳ درصد جریان ورودی سرمایه خارجی جهان است. همان گونه که در نمودار زیر قابل مشاهده است، اگرچه پس از تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی در ایران در سال ۱۳۸۱، روند متفاوتی در جذب FDI در ایران آغاز شده، اما بیشترین میزان جذب سرمایه خارجی ایران فقط در حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷، بوده است.

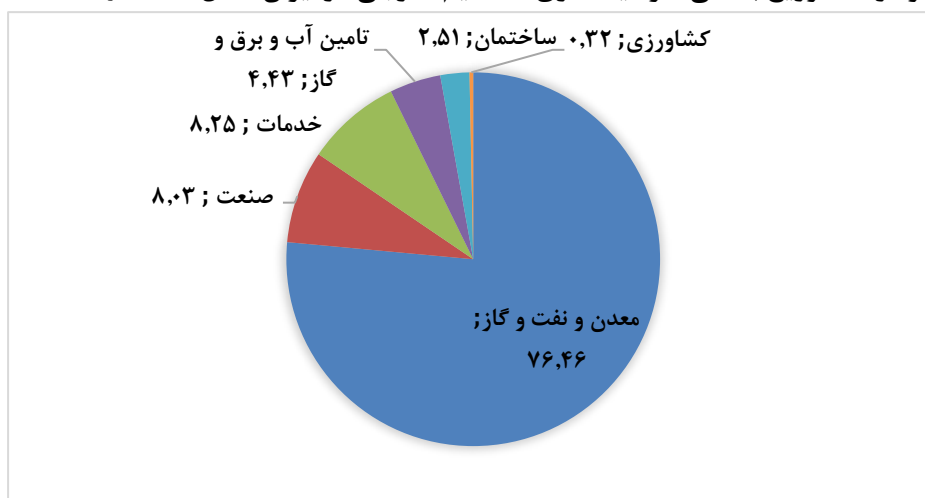
نمودار ۱۱. جریان خالص ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران، سال های ۱۹۹۰-۲۰۱۸



مأخذ: آنکتاد، گزارش سرمایه گذاری جهانی، ۲۰۱۹، www.unctad.org

جذب سرمایه خارجی در ایران منبع محور بوده و به ندرت وارد تولید شده است. به لحاظ توزیع بخشی، عمده سرمایه خارجی در منابع اولیه و در حقیقت بخش نفت خام وارد شده و به لحاظ روش سرمایه گذاری غالباً به شکل ترتیبات قراردادی (شامل بیع متقابل، BOT و...) است. طبق گزارش سازمان سرمایه گذاری اقتصادی و فنی (علیشیری و شمس، ۱۳۹۲)، در سال ۲۰۱۲ بخش معدن (شامل معدن، بالادست نفت و گاز و صنایع معدنی و صنایع مرتبط) همانند سال های گذشته بخش پیشرو در جذب سرمایه گذاری های خارجی بوده و سهم ۷۶ درصدی خود را حفظ کرده و قریب به ۳/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده است. بخش خدمات برای نخستین بار با جذب ۳۸۲ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ از بخش صنعت پیشی گرفته است. نمودار زیر میزان و درصد سهم هریک از بخش های اقتصادی کشور را از سرمایه گذاری خارجی جذب شده در سال ۲۰۱۲ نشان می دهد.

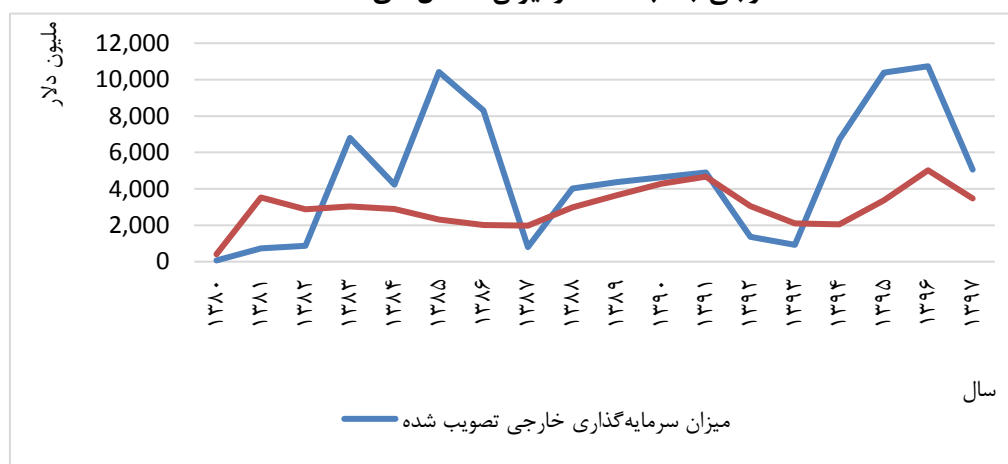
نمودار ۱۲. توزیع بخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، سال ۲۰۱۲ (درصد)



مأخذ: علیشیری و شمس، ۱۳۹۲، ص ۶۴.

نمودار زیر تفاوت میان سرمایه‌گذاری خارجی تصویب شده و میزان واقعی سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ را در کشور نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ و نیز سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ میزان سرمایه‌گذاری خارجی مصوب بسیار بیشتر از جذب واقعی و در برخی از سال‌ها چندین برابر بوده است. درحقیقت سرمایه‌گذار خارجی مجوز سرمایه‌گذاری را اخذ کرده و از مزیت دریافت اطلاعات در مرحله مذاکره بهره‌مند شده، اما سرمایه خود را به داخل کشور نیاورده و پروژه را آغاز نکرده است. نکته بسیار مهم که باید به آن توجه نمود اینکه تکیه بر آمار سرمایه‌گذاری خارجی مصوب به‌جای عملکرد، برای ارزیابی وضعیت جذب FDI در ایران به‌شدت گمراه‌کننده است.

نمودار ۱۳. مقایسه میزان سرمایه‌گذاری خارجی تصویب شده و سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده در ایران - سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۷



مأخذ: گزارش‌های سرمایه‌گذاری جهانی آنتکاد و آمار سازمان سرمایه‌گذاری.



مسئله جذب اندک FDI در ایران که مسائل سیاسی و فضای بین‌المللی نیز بر آن تأثیرگذار بوده است، همواره مطالعاتی برای تشویق و تأکید بر فواید و جوانب مثبت FDI را در ایران در پی داشته است. اما در پژوهش‌ها به‌ندرت به مسئله کیفیت جذب FDI در ایران پرداخته شده و راهکارهای دستیابی به بهترین نتایج از جذب اندک سرمایه خارجی ورودی در ایران مغفول مانده است. در ادامه به مطالعات محدود در این زمینه اشاره می‌شود.

سلیم و همکاران در تحقیقی میدانی به بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که عامل دسترسی به بازار، اولین انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی بوده است که از عامل بعدی یعنی دسترسی به منابع ارزان فاصله قابل توجهی دارد. البته با لحاظ کردن شرکت‌های نفتی و پتروشیمی که در نمونه آماری این تحقیق کمتر حضور داشته‌اند، می‌توان گفت در شرایط فعلی عمده انگیزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران براساس دسترسی به بازار و منابع اولیه ارزان بوده است. همچنین نتایج تحقیق دیگری از این محققین نشان می‌دهد FDI در ایران تأثیر مستقیمی بر فعال شدن کانال‌های مختلف سرریز فناوری نداشته است، ولی افزایش توانمندی‌های فناورانه شرکت‌های سرمایه‌پذیر نقش میانجی در فعال شدن دو مسیر سرریز یعنی اثر مشاهده و آموزش داشته است. ازسوی دیگر نمی‌توان از نظر دور داشت که سیاست شرکت‌های خارجی برای بهره‌مندی از بازار ایران در وهله اول، صادرات کالا و یا اعطای لیسانس بوده است و اساساً کمتر به تولید و سرمایه‌گذاری در ایران ورود پیدا کرده‌اند. البته در بخش خدمات با توجه به هم‌زمانی مصرف و تولید و عدم امکان صادرات، شرکت‌های خارجی بیشتر اقدام به ورود به بازار ایران کرده‌اند که نمونه‌هایی از آن در بخش خرده‌فروشی و ارتباطات قابل مشاهده است (Salim & et al, 2018).

عامری در بررسی نوع تکنولوژی مورد بهره‌برداری در عملیات بالادستی در صنعت نفت به این نتیجه دست یافته که خصلت مهارتی و تجربی بودن تکنولوژی مستفاد در این صنعت موجب شده مالکان آن برای حفظ و تثبیت برتری رقابتی خود با توسل به رازداری مانع انتقال آن شوند؛ بنابراین برای انتقال واقعی باید درون‌نگری کرد و از ساختار فناوری ملی استفاده نمود (عامری، ۱۳۹۶).

در مقاله درخشان و تکلیف‌نشان داده شده که اتکا بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چارچوب قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی بین‌المللی، راهکار مناسبی برای انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران نبوده و نخواهد بود، مگر آنکه اولاً رشد دانش بنیادین و دانش عملیاتی مرتبط با صنعت نفت کشور زمینه‌های مناسبی برای جذب فناوری و توسعه آن فراهم کرده باشد و ثانیاً حضور فعال نهادهای تنظیم‌گر با اهداف نظارت، مدیریت و بهبود کارایی در بازار فناوری توانسته باشد زمینه‌های مناسبی فراهم آورد که بتوان از ظرفیت‌های جذب به‌نحو مؤثری بهره‌برداری کرد. همچنین بر این نکته تأکید شده است که شناخت دقیق بازیگران بازار فناوری و درک فرایندهای تضعیف شرکت‌های نفتی بین‌المللی و تقویت شرکت‌های خدمات نفتی در انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی نخستین گام

در طراحی الگوهای بهینه در سیاستگذاری‌های فناوری نفتی در کشور است. به‌رغم محوریت پیمانکاران در شناسایی نیازهای زنجیره عملیات نفتی به توسعه فناوری‌های مناسب و انتقال این نیازها به توسعه‌دهندگان فناوری، در این مقاله به این نکته توجه شده است که محدودیت منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در انتقال و توسعه فناوری و نیز ضعف بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های جذب اقتضا می‌کند که نهادهای تنظیم‌گر بازار فناوری کارا تر شوند و نقش مؤثرتری در مدیریت این بازار ایفا نمایند. نشان داده شده است که این نهادها با اولویت‌بندی فناوری‌هایی که سازگار با اهداف بخش بالادستی نفت بوده و اثر سرریز به برخی صنایع کلیدی در اقتصاد ملی را دارند می‌توانند جریان انتقال توسعه فناوری را به سمتی هدایت کنند که همسو با راهبردهای توسعه صنعتی کشور باشد (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴).

همچنین نوروزی در مقاله‌ای به واکاوی ضعف انتقال فناوری در صنعت نفت ایران و میزان اثربخشی قراردادهای نفتی در این زمینه می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر فقدان انگیزه کافی در شرکت‌های دهنده فناوری، مشکلات مربوط به ضعف در ظرفیت جذب برای اکتساب فناوری در داخل کشور نیز از عوامل مؤثر بر مشکلات انتقال و توسعه فناوری در ایران است. ضمن اینکه با توجه به حضور بازیگران متعدد در بازار فناوری در صنعت نفت، حاکمیت رویکرد سنتی به انتقال و توسعه فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و قرارداد با شرکت‌های نفتی بین‌المللی، زمینه مناسبی برای توسعه فناوری در ایران نیست (نوروزی، ۱۳۹۴).

در پژوهش نظریان، با استفاده از مدل‌سازی سیستم‌های دینامیکی اقدام به ارائه الگوی انتخاب سیاست انتقال و توسعه تکنولوژی در صنعت خودرو سواری شده است. به کمک ارزیابی خبرگان و از بین ۱۷ سیاست با در نظر گرفتن شرایط انتقال‌گیرنده و انتقال‌دهنده تکنولوژی به ۶ سیاست اولویت‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مهندسی معکوس، سرمایه‌گذاری مشترک، قراردادهای بیع متقابل، انتقال از طریق حق امتیاز یا لیسانس و یا استخدام کارکنان فنی و علمی رسیده و سپس با استفاده از روش AHP، روش مناسب برای انتقال و توسعه فناوری در صنعت خودرو روش «مهندسی معکوس» تشخیص داده شده است (نظریان، ۱۳۹۴).

برای شناخت فضای تدوین توصیه‌های سیاستی درخصوص سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با تشکیل تیم خبرگان شامل اساتید با مدرک دکتری در رشته‌های اقتصاد و مدیریت در دانشگاه‌های معتبر داخل و خارج کشور که هم با شرایط ایران آشنایی کامل داشته و هم تجربه تدوین ماتریس SWOT را داشته‌اند، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها در این رابطه شناسایی شده‌اند.



جدول ۵. ماتریس SWOT، کیفیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

ضعف‌ها	قوت‌ها
- عدم اولویت‌بندی نیازهای کشور در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی (فقدان سیاست صنعتی و برنامه آمایش سرزمین) - محیط نامناسب کسب‌وکار - وجود تحریم‌های گسترده بین‌المللی - نگاه صرفاً تأمین مالی به سرمایه‌گذاری خارجی - نبودن انتقال فناوری در کانون توجه قانونگذار، نبود ملاک‌های مشخص برای ارزیابی فناوری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - نبود توجه به حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی - نبود شرط توقف سرمایه‌گذاری به‌منظور بومی‌سازی فناوری - نبود هوشمندی سیاستگذاری در ارتباط با مشوق‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی مانند عدم وجود الزامات عملکردی در ارائه مشوق‌ها و مجوزها - وجود محدودیت زمانی برای انتقال فناوری و تجهیزات - عدم مدیریت یکپارچه فرایند جذب سرمایه‌گذاری و تنوع مراکز تصمیم‌گیری در کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی - اطلاع‌رسانی نامناسب در مورد مشوق‌ها و فقدان مراکز اطلاع‌رسانی و بانک اطلاعاتی اقتصادی و ناتوانی در عرضه پروژه‌های سرمایه‌گذاری به‌علت فقدان داده‌های لازم - عدم هماهنگی و انطباق با مقررات بین‌المللی - شفاف نبودن شرایط و فرایند قراردادهای مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی در مورد طرح‌های دولتی - ضعف سیستم مشاوره‌ای و عدم استفاده از نیروی انسانی متخصص و کارآمد و نبود شرکت‌های بین‌المللی مشاوره مدیریت در ارزیابی و تأیید و فرصت‌های موجود در کشور و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی - ناکارآمدی سیستم بانکی و عدم تجهیز به سیستم‌های مالی به‌روز دنیا و عدم ارتباط با بانک‌های بین‌المللی	- نگاه منعطف دولت به سرمایه‌گذاری و امکان توسعه بخش خصوصی‌سازی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - نیاز بازارهای جهانی به منابع کشور به‌ویژه نفت، گاز و معدن - بلوغ نسبی بنگاه‌های ایرانی، تمایل روزافزون به سرمایه‌گذاری مشترک با بنگاه‌های خارجی در بازارهای داخلی و ورود به بازارهای صادراتی - نیروی کار ارزان - وجود زیرساخت‌های مناسب تحقیق و توسعه، راه، بندر، برق و... - وجود نیروی انسانی تحصیلکرده در کشور (پنجمین کشور دنیا از حیث دارا بودن فارغ‌التحصیلان مهندسی) - وجود قانون فیپا و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی مانند الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره شناسایی و اجرای داورى مانند حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت و اتباع دولت‌های دیگر - کم‌ثباتی و تغییرات ناگهانی در قوانین و مشکلات در اجرای قوانین موضوعه در برخی حوزه‌ها مثل قانون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، قوانین ادغام و تملک و قانون حفاظت از مالکیت معنوی - بازنگری در اجرای قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی داخل - در فعالیتهای بازار - محور، توسعه محدود زنجیره تأمین شرکت‌های خارجی در کشور، عدم رشد سرمایه‌گذاری‌های مشترک و محدود بودن نمایندگان شرکت‌های خارجی به عاملیت فروش و واردات محدود مانند زنجیره ارزش در محصولات تولید شده توسط بنگاه‌های خارجی در کشور
فرصت‌ها	تهدیدها
- چرخه صعودی جدید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و وجود منابع مالی و اشتیاق سرمایه‌گذار خارجی به سرمایه‌گذاری در اقتصادهای نوظهور	- گندى اصلاحات محیط کسب‌وکار - ادامه تحریم‌ها و وجود تصویر مخدوش از کشور نزد محافل سرمایه‌گذاری جهانی

ضعف‌ها	قوت‌ها
- امکان ارتقای بهره‌وری انرژی و کاهش مصرف از طریق سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه - ناامنی در اقتصادهای منطقه‌ای - فرصت ناشی از عدم عضویت در WTO از جهت اعمال الزامات عملکردی به سرمایه‌گذاری خارجی - فرصت ناشی از پوشاندن شکاف بین پتانسیل بالا و عملکرد ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - حضور گسترده متخصصین و سرمایه‌های ایرانی در کشورهای صنعتی - در فعالیتهای منبع - محور؛ فرصت همکاری با بنگاه‌های ادغام‌یافته‌ای که حاضر به ارائه امتیازات کلیدی در قبال دسترسی به ذخایر کشور هستند. - امکان سازمان‌دهی ساختار بازار و مدیریت رقابت در بسیاری از رشته‌ها و شرکت‌های چندملیتی - امکان توسعه اتحادیه‌های منطقه‌ای به صورت گسترده و افزایش قدرت چانه‌زنی و برخورداری از مزیت منطقه‌ای	- محدودیت‌های مرتبط با عدم عضویت در WTO - تمایل محدود بنگاه‌های خارجی به مشارکت با شرکای داخلی - کمبود آب، خشکسالی و مشکلات محیط زیستی در ایران و منطقه - افزایش قدرت چانه‌زنی شرکت‌های اروپایی و آسیایی به علت عدم حضور بعضی شرکت‌های دولت‌های متخاصم در بازار ایران

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، طبق تعریف آنکتاد، سرمایه‌گذاری مشتمل بر ارتباط طولانی‌مدت، منافع پایدار و کنترل شرکت خارجی (سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یا شرکت مادر) در کشور مقصد است. واژه‌های طولانی‌مدت و کنترل، FDI را از «سرمایه‌گذاری در سهام (FPI)» متمایز می‌کند. FDI یک چرخه فعالیت اقتصادی را ایجاد می‌کند که ضمن آن انتقال فناوری و تأمین مالی خارجی می‌تواند اتفاق بیفتد. در ابتدای گزارش، انواع روش‌های تأمین مالی خارجی و انتقال فناوری از خارج مرور شد تا تفاوت FDI با سایر روش‌ها روشن شود. به‌طور مثال وجه تمایز عمده FDI با روش متداول فاینانس که صرفاً یک روش تأمین مالی از خارج کشور است، را می‌توان سهیم بودن سرمایه‌گذار خارجی در ریسک سرمایه‌گذاری دانست که عواید مثبت دیگری از جمله انتقال دانش، مدیریت و فناوری به کشور میزبان را می‌تواند در پی داشته باشد.

FDI طی دو دهه اخیر در جهان رشد قابل توجهی داشته است. میزان کل جریان FDI جهان در سال ۲۰۱۸، ۱۲۹۷ میلیارد دلار بوده است. در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بیشترین میزان جریان FDI در دنیا رخ داده و بیشترین مقدار نسبت FDI به GDP در دنیا، ۵/۲۳ درصد در سال ۲۰۰۷ بوده است. در حدود دوسوم جریان سرمایه خارجی در میان کشورهای توسعه‌یافته تبادل می‌شود. ایالات متحده



آمریکا در سال ۲۰۱۸ در صدر فهرست کشورهای برتر در جذب FDI و پس از آن چین، هنگ کنگ، سنگاپور و نیوزلند قرار گرفته‌اند. در مقابل ژاپن، چین، فرانسه، هنگ کنگ و آلمان در صدر فهرست کشورهای مبدأ و خروج سرمایه به شکل FDI هستند.

در بخشی از گزارش به مبانی نظری تبیین‌کننده انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته شد. انگیزه سرمایه‌گذار خارجی که به صورت کلی در سودآوری خلاصه می‌شود در قالب نظریات مختلف و با توضیح عوامل متنوعی چون دسترسی به منابع اولیه طبیعی و ارزان‌قیمت، شکل‌دهی و بهره‌گیری از بازار کشور دیگر، شکل‌گیری زنجیره ارزش و غیره تبیین شده است.

نحوه اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسته به رویکرد خوش‌بینانه یا بدبینانه نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی به طرق متفاوتی قابل تبیین و تحلیل است. رویکرد مثبت و منفی را می‌توان ناشی از اختلاف دیدگاه حامیان جهانی‌سازی و مخالفان آن تعبیر کرد. در رویکرد مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مادامی که سرمایه‌گذاران محیط زیست را آلوده نکنند یا از کارگران سوءاستفاده نکنند) بدون تردید برای رشد و توسعه مفید است. در رویکرد مقابل، مبتنی بر نگاه استعمارگرانه به FDI، تردید جدی نسبت به مفید بودن FDI براساس شواهدی از عملکرد FDI در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا وجود دارد. رویکرد میانه با پذیرش نقاط ضعف و مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دنبال طراحی سیاست‌ها برای استفاده حداکثری از منافع FDI است.

تأثیرات مثبت و منفی FDI، در زمینه تأمین مالی و ارز، اشتغال، ایجاد و حفظ ثبات اقتصادی، انتقال دانش و فناوری و در نهایت رشد اقتصادی به‌اختصار در گزارش بررسی شد. آنچه به‌عنوان عامل اصلی اثرگذاری FDI بر رشد اقتصادی در مباحث نظری مورد تأکید قرار گرفته است، انتقال فناوری و آثار سرریز آن است. اثر سرریز به عواملی چون میزان رقابت، شکاف فناوری و قابلیت جذب فناوری بستگی دارد. حامیان جهانی‌سازی شرط انتقال فناوری را آزادسازی و همراهی تجارت و FDI می‌دانند. حال آنکه در رویکرد میانه بر ارتقای قابلیت‌های فناورانه کشورهای در حال توسعه و ایجاد ظرفیت‌های جذب فناوری و آزادسازی تدریجی و برنامه‌ریزی‌شده تأکید می‌شود. علاوه بر اینکه در مباحث نظری در مورد آثار سرریز فناوری و اثر مثبت FDI بر رشد اقتصادی تردید وجود دارد، مطالعات تجربی نیز نتایج قطعی در این زمینه نشان نمی‌دهند.

با مرور تجربه کشورهای موفق آسیای شرقی از جمله چین، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور و هنگ کنگ در جذب FDI براساس رویکرد میانه نتایج زیر حاصل شد:

- تمامی کشورهای مورد بررسی شامل چین، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور و هنگ کنگ به FDI به‌عنوان ابزار توسعه و به‌ویژه انتقال فناوری از خارج نگرسته‌اند.

- FDI تنها کانال انتقال فناوری از خارج نیست. انتقال فناوری از طریق انواع روش‌های رسمی و غیررسمی اعم از مهندسی معکوس، سرمایه‌گذاری مشترک، قرارداد لیسانس و غیره می‌تواند اتفاق بیفتد.

- انتقال فناوری از طریق FDI به خودی خود اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند ایجاد ظرفیت و قابلیت جذب فناوری است.
 - در کشورهای چین، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی دولت همواره در فرایند جذب FDI مداخله کرده و سیاست‌گزینی را اتخاذ کرده است. ملاحظات جذب FDI در این کشورها در چارچوب سیاست صنعتی و با توجه به سطح توسعه‌یافتگی کشور بوده است.
 - تکیه بر گسترش دانش بومی و سرمایه‌گذاری دولت در تحقیق و توسعه داخلی در مقایسه با تلاش برای جذب FDI، می‌تواند به سطح بالاتری از رقابت‌پذیری جهانی و صنعتی شدن پایدار منجر شود.
 - آزادسازی ورود سرمایه خارجی در چین و کره جنوبی برخلاف هنگ کنگ، یک فرایند تدریجی و بلندمدت بوده است.
 - در کشورهای چین و کره جنوبی ورود سرمایه‌گذاری خارجی مشروط به انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی کشور بوده است. این راهبرد برخلاف مفاد توافقنامه TRIMS است.
 - سرمایه‌گذاری خارجی چین در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی با هدف دستیابی به تکنولوژی و در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کشورهای آمریکای لاتین با هدف دستیابی به منابع طبیعی و انرژی بوده است.
 - سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منشأ تهدیدات بالقوه سیاسی و امنیت ملی برای کشور میزبان باشد.
 - کشورهای پیشرفته و دارای اقتصاد آزاد نیز در مواجهه با مخاطرات سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین و سیاست‌هایی با هدف غربالگری و گزینش اتخاذ کرده‌اند.
 - علاوه بر جریان ورودی FDI، جریان خروجی نیز می‌تواند کانال انتقال فناوری از خارج باشد.
- در بررسی وضعیت ایران در جذب FDI ملاحظه شد سهم کشور از جریان ورودی سرمایه خارجی دنیا همواره بسیار ناچیز بوده است. طبق آخرین آمار، در سال ۲۰۱۸، جمهوری اسلامی ایران تنها ۰/۳ درصد FDI جهان را جذب کرده است. این میزان اندک نیز عمدتاً وارد بخش منابع طبیعی و معدن و به‌طور خاص نفت خام شده و نیز غالباً به شکل ترتیبات قراردادی بوده است و نه مشخصاً در قالب FDI. درحقیقت افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری در ایران، مانع از حضور سرمایه‌گذار خارجی در بخش‌های تولیدی و با فناوری پیشرفته می‌شود و سرریز فناوری اتفاق نمی‌افتد.
- مطالعات نشان می‌دهد عامل دسترسی به بازار و منابع طبیعی ارزان‌قیمت اصلی‌ترین انگیزه ورود سرمایه‌گذار خارجی به ایران است و FDI تأثیر مستقیمی بر فعال شدن کانال‌های مختلف سرریز فناوری در کشور نداشته است. همچنین حضور سرمایه‌گذار خارجی در بخش خدمات ازجمله خرده‌فروشی و ارتباطات پُررنگ‌تر از بخش‌های تولیدی بوده است. پژوهش‌ها در حوزه‌هایی که جذب سرمایه‌گذاری خارجی در آنها بیشتر بوده به‌ویژه در صنعت نفت نشان می‌دهد به‌دلیل ضعف انتقال فناوری در این حوزه، اتکا بر سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی



بین‌المللی راهکار مناسبی برای انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت نیست و بر لزوم ایجاد ظرفیت جذب فناوری و حضور فعال نهادهای تنظیم‌گر برای ایجاد زمینه بهره‌برداری از ظرفیت‌های جذب به شکل مؤثر تأکید می‌شود.

طبق پژوهشی که با هدف شناخت نقاط ضعف و قوت در زمینه جذب FDI در ایران و بهره‌گیری از نظرات خبرگان در این زمینه انجام شد، به **FDI در ایران به‌عنوان ابزار تأمین مالی نگریسته می‌شود و انتقال فناوری در کانون توجه سیاستگذار نیست**. اگرچه محیط نامناسب کسب‌وکار و تحریم‌های بین‌المللی از اقبال سرمایه‌گذار خارجی به ورود و سرمایه‌گذاری در کشور به‌شدت کاسته است، اما زمینه استفاده مناسب از همان میزان اندک سرمایه خارجی ورودی نیز فراهم نشده و اولویت‌بندی برای جذب FDI و ظرفیت‌های لازم برای انتقال کامل فناوری از این طریق وجود ندارد. بنابراین نتایج حاصل از این پژوهش را در چهار محور زیر می‌توان خلاصه کرد:

- **برداشت و درک صحیحی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان مدیران و سیاستگذاران کشور وجود ندارد.**

در راستای پاسخ به سؤال پژوهش و به‌منظور رفع موانع جذب موفق FDI در ایران، ابتدا باید نگاه و رویکرد اشتباه به FDI اصلاح شود. در این خصوص چالش‌های متعددی وجود دارد:

نخست، نگاه صرفاً تأمین مالی به FDI و غفلت از مهم‌ترین کارکرد آن یعنی انتقال فناوری. دوم، درک نادرست از انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی و لزوم سودآوری سرمایه‌گذاری خارجیان در کشور میزبان؛ به‌ویژه در مراحل اولیه توسعه، قبضه کردن بازار و استفاده از منابع اولیه ارزان‌قیمت مهم‌ترین انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی است که در صورت نیاز به ورود سرمایه خارجی به رشته‌های منتخب اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین در کنار مزیت‌های موجود باید مزیت‌ها و جذابیت‌های جدید ایجاد کرد.

سوم، عدم توجه به تعارض منافع سرمایه‌گذار خارجی با منافع کشور میزبان؛ منافع حاصل از FDI مانند انتقال مدیریت و فناوری، ایجاد اشتغال و غیره به‌طور خودکار ایجاد نمی‌شود و ممکن است برخلاف منافع سرمایه‌گذار خارجی باشد. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کشور میزبان با ایجاد منافع مشترک باید امکان بهره‌مندی از حداکثر منافع را ایجاد کند و صرف افزودن بندهایی به قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال فناوری به نتیجه منجر نخواهد شد.

چهارم، عدم ارزیابی صحیح هزینه انتقال اطلاعات در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی؛ تبادل اطلاعات در مراحل اولیه سرمایه‌گذاری، هزینه برای کشور میزبان (از دست دادن پتانسیل رقابت‌پذیری در بلندمدت) و منفعت برای کشور خارجی (شناخت مزیت‌ها و نقاط ضعف میزبان و بازاریابی) است.

- برای بهره‌گیری از اصلی‌ترین کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یعنی انتقال فناوری، باید ظرفیت‌های جذب فناوری از خارج ایجاد شود.

برای موفق بودن انتقال فناوری، هم باید فرستنده خوب عمل کند، یعنی فناوری روز را در سطح ایده‌های کلیدی و نه فقط ابزارهای کاربردی به سمت میزبان بیاورد؛ هم گیرنده باید قوی باشد، یعنی جامعه علم و فناوری از افراد هوشمند و شبکه‌های نخبه‌ای برخوردار باشد که ایده‌ها را به تمام و کمال دریافت کنند و تحول بومی بر آن اعمال کنند تا نیاز بومی برآورده شود.

تجربه نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و معدن برای کشور انتقال و جهش فناوری را در پی نداشته است. علاوه بر اینکه انتظارات انتقال فناوری از قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های چندملیتی بزرگ باید منطبق با شناخت صنعت و نیازهای کشور باشد، وجود ظرفیت‌های فنی لازم برای جذب دانش عملیاتی و وجود نهادهای لازم برای ایجاد ظرفیت و جذب دانش از طرف‌های خارجی از دیگر الزامات انتقال تکنولوژی در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی است. آگاهی از دانش‌های بنیادین و فناوری‌های مورد استفاده در تکنولوژی‌های خارجی ضرورتی برای انتقال کامل فناوری است و باید در کنار سرمایه‌گذاری خارجی، نهادها و مراکز تحقیقاتی عمومی و خصوصی به فرایند انتقال فناوری کمک نمایند.

- سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری باید در چارچوب سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین باشد.

کشوری که نداند چه نوع فناوری را برای چه بخشی از تولید می‌خواهد، یعنی آمایش سرزمینی عالمانه و سیاست صنعتی دورنگر و اولویت‌گذاری آموزشی و پژوهشی هوشمندانه نداشته باشد، نمی‌تواند به FDI خود در راستای منافع بلندمدتش سامان بدهد. همان‌گونه که تجربه کشورهای موفق نیز نشان می‌دهد اعمال سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی و براساس سطح توسعه‌یافتگی بوده است. البته تا زمانی که پیوستن به سازمان تجارت جهانی مانعی برای این‌گونه مداخلات ایجاد نکرده‌اند. انتخاب زمینه‌ها و صنایع برای جذب FDI نیازمند انجام مطالعات برای شناسایی فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی یا خلق مزیت‌های جدید و یافتن حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش براساس سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین است. حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی نیز مسئله مهمی است و باید سازوکاری برای تشخیص نیازهای کشور به واردات فناوری از خارج و شکل‌گیری گفتگوی حاکمیت با شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها و شرکت‌های مشاوره فناوری به‌منظور حداکثر استفاده از توان تولید داخلی ایجاد شود.

- ملاحظات فرااقتصادی باید جدی گرفته شوند.

همان‌گونه که در گزارش مرور شد، در مطالعات مربوط به بررسی سرمایه‌گذاری خارجی چین در آمریکا و اروپا، چنین کشورهای پیشرفته‌ای ملاحظات سیاسی و امنیتی سرمایه‌گذاری خارجی را در کنار ملاحظات اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهند. به هر حال ورود سرمایه‌گذار خارجی به کشور می‌تواند با تهدیداتی چون



احتمال تضعیف ظرفیت علم و فناوری کشور، ایجاد قدرت نفوذ شرکت‌های چندملیتی در حاکمیت، جمع‌آوری اطلاعات و فروش یا سوءاستفاده از آن، کنترل و نفوذ در بخش‌های حساس و زیرساخت‌های کشور و غیره وجود دارد که نباید از نگاه تصمیم‌گیران این حوزه دور بماند. علاوه بر این گزینه‌های کشور برای جذب FDI در شرایط تحریم محدودتر خواهند بود و منافع سیاسی نیز در کنار منافع اقتصادی پُررنگ‌تر خواهند شد. نکته قابل توجه دیگر اینکه انتقال فناوری از طریق رسمی برای ایران که تحت تحریم‌های شدید بوده و هست و خواهد بود، غیرواقع‌بینانه‌تر از انتقال فناوری از راه‌های غیررسمی است و با وجودی که سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری داخلی حجم بسیار کمی در تشکیل سرمایه کشورها دارد، لذا در شرایط تحریم تلاش برای رفع موانع سرمایه‌گذاری داخلی و به‌کارگیری روش‌های غیررسمی انتقال فناوری باید در مرکز توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. حجازیان، حامد. سیاست صنعتی نوین؛ نگاهی به تحولات نظری پس از بحران سال ۲۰۰۸، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۷.
۲. درخشان، مسعود و عاطفه تکلیف. انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظات در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۴.
۳. رسولی قهرودی، مهدی. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تئوری و عمل، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷.
۴. رضوی، محمدرضا. طرح مطالعاتی سامان‌دهی سرمایه‌گذاری خارجی؛ طراحی راهبردها، مشوق‌ها و تشکیلات برای ارتقای توان رقابتی اقتصاد ایران، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، ۱۳۹۳.
۵. صارمی، محمدصادق و امیر ذاکری. سیاست‌های هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه فناوری، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، ۱۳۹۸.
۶. صارمی، محمدصادق. ارائه چارچوبی جهت بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در توسعه توانمندی‌های فناوریانه، مطالعه موردی سیاستگذاری فناوری کشور چین، چاپ نشده، ۱۳۹۸.
۷. عامری، فیصل. الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران و معضل انتقال فناوری در صنعت نفت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۶.
۸. علیشیری، بهروز و شراگیم شمس عراقی. تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی: مبانی، الزامات، اقدامات و دستاوردها، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
۹. لل، سانجایا. سیاست فناوری و تشویق بازار؛ همراه با موردکاوی تجربه سیاستگذاری در ۱۱ کشور، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵.
۱۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آسیب‌شناسی وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه ایران، ۱۳۹۴.
۱۱. نظریان، حسین و علیرضا علی‌احمدی. سیاستگذاری انتقال و توسعه فناوری در صنعت خودروسازی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی و مدلسازی سیستم‌های پویا، فصلنامه تخصصی سیاستگذاری علوم و تکنولوژی، ۱۳۹۶.
۱۲. نوروزی، محمد. چالش انتقال فناوری در قراردادهای بالادستی نفت با تأکید بر قراردادهای بیع متقابل ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی انرژی، ۱۳۹۴.

۱۳. نیلی، مسعود. تحلیل عوامل تأثیرگذار بر عملکرد میان مدت اقتصاد ایران، ۱۳۹۲.
14. Amsden, Alice H, (2009), Nationality of Firm Ownership in Developing Countries: Who should 'Crowd Out' whom in Imperfect Markets, Industrial Policy and Development: The Political Economy of Capabilities Accumulation.
 15. Athreye S, Cantwell J. 2007. Creating competition? Globalisation and the emergence of new technology producers. Res Policy [Internet]. [cited 2012 Apr 13];36(2):209–26. Available from: <http://linkinghub.elsevier.com/retrieve/pii/S0048733306002113>.
 16. Bickenbach, Frank; Liu, Wan-Hsin (2018). Chinese Direct Investment in Europe- Challenges for EU FDI Policy, CESifo Forum, ISSN 2190-717X, ifo Institut– Leibniz-Institut für Wirtschaftsforschung an der Universität München, München, Vol. 19, Iss. 4, pp.
 17. Dunning JH. (1980). Toward an eclectic theory of international production: Some empirical tests. J Int Bus Stud. Springer; 11(1):9–31.
 18. Dunning JH. (1987). Theory Toward An Eclectic Production : Of International Tests Some Empirical. J Int Bus Stud.;19(1):12–23.
 19. Görg H, Greenaway D, Gorg H. Much ado about nothing? Do domestic firms really benefit from foreign direct investment? World Bank Res Obs [Internet]. 2004 [cited 2014 Apr 22]; 19(2). Available from: <http://wbro.oxfordjournals.org/content/19/2/171.short>
 20. Guimón J. (2013). National Policies to Attract R&D Intensive FDI in Developing Countries.
 21. Meyer KE, Evis Sinani, (2008) When and Where Does Foreign Direct Investment Generate Positive Spillovers? A Meta-Analysis, Journal of International Business Studies.
 22. Meyer KE, Wright M, Pruthi S, Sarika P. Managing knowledge in foreign entry strategies: a resource-based analysis. Strateg Manag J [Internet]. John Wiley & Sons, Ltd.; 2009 May 1 [cited 2013 Jan 3];30(5):557–74. Available from: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/smj.756/abstract>.
 23. PORTAL D. (2005). Globalization of R&D and developing countries. Proceedings of the Expert Meeting. p. 26.
 24. Salim A, Razavi MR, Radfar R, Ghaffari F. (2018). Investigating Foreign Investment Motives in Iran Case Study of Foreign Investors in Iran. Quantitative Studies in Management. 5(2).
 25. Tucker, P. (2008). Money and credit: banking and the macroeconomy.
 26. UNCTAD, World Investment Report, 2019.
 27. Vernon R. (1979). The product cycle hypothesis in a new international environment. Oxf Bull Econ Stat. Wiley Online Library;;41(4):255–67.



شماره مسلسل: ۱۷۰۸۳	شناسنامه گزارش
عنوان گزارش: الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب و کار) تهیه و تدوین کنندگان: مریم احمدیان، محمدصادق صارمی (پژوهشکده مطالعات فناوری) ناظران علمی: سیدامیر سیاح، سید محمدهادی سبحانیان، موسی شهبازی غیائی، سیدمحسن علوی‌منش اظهار نظر کنندگان: سید محمدرضا سیدنورانی، سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی، صمد عزیزنژاد مشاوران خارج از مرکز: سرکار خانم فریال مستوفی (مرکز سرمایه‌گذاری خارجی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران)، آقای احمد جمالی (سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی)، آقایان سید حبیب‌ا... طباطبائی‌ان و سید روح‌ا... ابوجعفری (پژوهشکده مطالعات فناوری)، واژه‌های کلیدی: ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۲. انتقال فناوری ۳. رشد اقتصادی ۴. چین ۵. فاینانس تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۳/۱۲	